

مپخوا اقم نوبه كنم

ولپكن!

تألف

محمد بن صالح المنجد

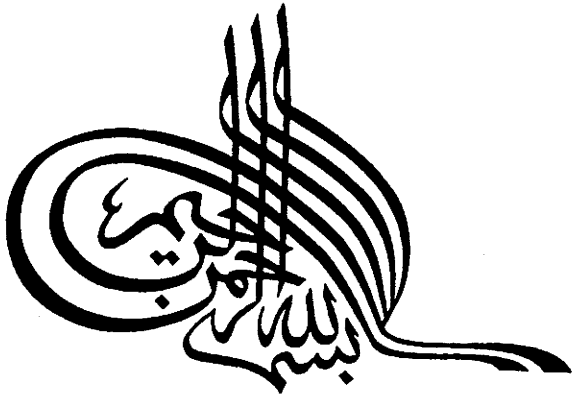
ترجمه

حیات خان

مراجعه

د / عبدالغفور بن عبد الحق البلوشی

Ketabton.com



المكتب التعاوني للدعوة والإرشاد وتوعية الجاليات بالطائف ، ١٤٢٨ هـ
فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

المنجد ، محمد بن صالح

أريد أن أتوب . / محمد بن صالح المنجد ، حيات خان - الرياض ، ١٤٢٨ هـ

النص (٩٢ ص ، ١٤,٥ × ٢٠,٥ سم)

ردمك : ٩٧٨-٩٩٦٠-٩٢٢٩-٨-٠

(الكتاب باللغة الفارسية)

١- التوبة (الإسلام) ٢- الوعظ والإرشاد . أ . خان حيات (مترجم)

ب. العنوان

ديوي ٢٤٠

١٤٢٨/٨٢٥٦

رقم الإيداع : ١٤٢٨/٨٢٥٦

ردمك : ٩٧٨-٩٩٦٠-٩٢٢٩-٨-٠

شناسنامه کتاب

نام کتاب به عربی : أريد أن أتوب و لكن !..

نام کتاب به فارسی : میخواهم توبه کنم ولیکن !..

مؤلف : محمد بن صالح المنجد .

مترجم : ابو داود خانابادی .

سال چاپ : ۱۴۲۹هـ ق / ۱۳۸۶هـ ش.

نوبت چاپ : اول .

سایت‌های مفید اسلامی

www.ofog.org

www.ahlesonnat.net

www.isam411.com

www.aqeedeh.com

www.isamtape.com

www.sunnionline.net

www.afghanmuslims.com

برادر گرامی، وخواننده محترم...

...شکی نیست که یکی از بزرگترین نعمتهای خداوند بر بندگانش این است که دروازه توبه را برای شان باز نموده، و آنها را برای درآمدن در آن امر فرموده، و به پذیری رفتن توبه ایشان وعده نموده، و برای توبه گذاران علاوه از آمرزیدن گناهان... اجر و پاداش فراوانی مهیا کرده است..

...لیکن بسیاری از مردم که میخواهند توبه کنند در راه توبه برای شان بعض مشکلات و سختیها سر میخورد، و بعض اشتباه ها و سوالها در ذهن ایشان وارد می گردد، برای آن جواب بکار دارند، سپس برای شان این کتاب قیمتناک را تقدیم میداریم که...
از شاء الله... در آن گشوده ای خود را در می یابند..

...کتاب مذکور خیلی از مسائل ضروری، و احکام مهم، و فایده های کیفیافت را در زمینه جمع نموده است، و خواندن آن برای هر مسلمان ضروری است، خصوصاً کسانی که میخواهند بطور درست و صحیح توبه نمایند..

« مترجم »

پیشگویی مترجم

حمد و ستایش خدایی را که همه بندگان خود را به توبه نمودن دعوت نموده است ،
و گاهان ایشان را هر چند که زیاد باشد می آمرزد ، و به توبه نمودن ایشان شادمان شده ،
و تمام بدیهای ایشان را بخوبیها مبدل می سازد ، گواهی میدهم که بجز الله ﷻ دیگر
معبودی سزاوار عبادت نیست ، اوست خداوند آمرزگارِ توبه پذیر ، و گواهی میدهم که
جناب حضرت محمد ﷺ بنده خدا و فرساده اوست ، آن پیامبر توبه گذار ، که
میفرمودند: " یا ایها الناس توبوا إلى الله واستغفروه ؛ فإني أتوب فی الیوم مائة مرة " .^(۱)
ترجمه: { ای مردم .. بسوی الله ﷻ توبه نموده ، و از او طلب آمرزش کنید ؛ که من
در روزی صدبار توبه میکنم } .

درود و سلام پهای تا بروز آخرت بر وی و بر آل و اصحاب و اتباع راستین وی باد .
اما بعد : برادر گرامی ، و خواننده محترم .. شکی نیست که یکی از بزرگترین نعمتهای
خداوند بر بندگانش این است که دروازه توبه را برای شان باز نموده ، و آنها را برای
درآمدن در آن امر فرموده ، و به پذیرفتن توبه ایشان وعده نموده ، و برای توبه گذاران علاوه
از آمرزیدن گناهان _ اجر و پاداش فراوانی مهیا کرده است .

^(۱) روایت امام معلم در صحیحش : کتاب الذکر باب استحب الاستغفار رقم (۶۷۹۹).

وتوبه کردن تنها از گنهگاران مطلوب نیست ، بلکه از تمام مکلفان بشمول مومنان و نیکوکاران مطلوب است ، خدای تعالی میفرماید : ﴿وتوبوا إلى الله جميعاً أيه المؤمنون لعلکم تفلحون﴾ «سوره نور آیت: ۳۱» ترجمه : { وتوبه نمائید بسوی الله ﷻ همه یکجا ای مومنان تا باشد که کامیاب شوید } . وچنانچه در حدیث صحیح آمده : {تمام بنی آدم خطاکار اند ، و بهترین خطاکاران آنانی اند که توبه میکنند} .^(۱)

لیکن بسیار از مردم که میخواهند توبه کنند در راه توبه برای شان بعض مشکلات و سختیها سر میخورد ، ویا بعض اشتباه ها و سوالها در ذهن ایشان وارد میگردد ، برای آن جواب بکار دارند ، پس برای شان این کتاب قیمتناک را تقدیم میداریم که - این شاء الله - در آن گمشده ای خود را در می یابند .

کتاب مذکور خیلی از مسایل ضروری ، واحکام مهم ، وفایدهای کیفیافت را در زمینه جمع نموده است ، وخواندن آن برای هر مسلمان ضروری است ، خصوصاً کسانیکه میخواهند بطور درست و صحیح توبه نمایند .

مؤلف این کتاب یکی از علمای گرامی اسلام " محمد صالح المنجد " است ، از خداوند کریم ومهربان برایشان اجر وپاداش بزرگ را استدعا داریم .

(۱) روایت امام احمد وترمذی و ابن ماجه ودارمی - رحمت الله علیهم اجمعین - نگاه : " صحیح الجامع " رقم : (۳۰۰۸).

میخواهم توبه کنم ولیکن ...!!

این بنده کتاب مذکور را به زبان فارسی ترجمه کردم ، تا برادران فارسی زبانم از آن در مورد توبه استفاده گیرند .

در اخیر از خداوند جلیل سوال دارم که این عمل اندک ما را خالصانه برای رضای خویش قبول فرماید ، وباعث نفع وفایده تمام مسلمانان گرداند .
والله تعالی أعلم ، وصلى الله على نبينا محمد وعلى آله وصحبه وسلم .

برادر تان : ابو داود خانابادی

باشنده : عربستان سعودی ، شهر طایف

۱۴ شوال، سال ۱۴۲۷ هـ ق .

پیشگفتار مؤلف

الحمد لله محمده و نستعینه ، من یهده الله فلا مضل له ، ومن یضلل فلا هادی له ،
 وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له، وأن محمداً عبده ورسوله. (۱) أما بعد: (۲)
 خداوند ﷺ همه مومنان را به توبه کردن امر فرموده است ﴿ و توبوا إلى الله جميعاً أیبه
 المؤمنون لعلکم تفلحون ﴾ «سوره نور آیت: ۳۱» ترجمه: { و رجوع کنید و بازگردید و توبه نمائید
 بسوی خدای تعالی همه یکجا ای گروه مومنان تا باشد که رستگار و کامیاب گردید } .

و خدای ﷺ بندگان خویش را بدو گروه تقسیم نموده: یکی گروه توبه کننده، و دیگری
 گروه ظالم و ستمگر، و در میان این دو _ گروهی سومی هرگز وجود ندارد ﴿ ومن لم یتب
 فأولئك هم الظالمون ﴾ «سوره حجرات آیت: ۱۱»
 ترجمه: { و هر که توبه نکند پس آن گروه ایشانند ظالمان و ستمکاران } .

و این زمان زمانیست که در آن بسیار مردمان از دین خدا دور شده اند، پس بسبب آن
 دوری _ گاهان و فساد بشکل عام منتشر گردیده، تا اندازه ای که هیچ یکی نمانده که به
 چیزی از بدیها مبتلا نشده باشد، مگر کسیکه خداوند ﷺ او را معصوم گردانیده است.
 لیکن با وجود این همه خدای ﷺ قبول نمیکند مگر اینکه تمام سازد نور خود را، پس
 گروه زیادی از مردم از غفلت خویش آگاه گردیدند، و از خواب خود بیدار شده اند،

(۱) ترجمه: سپاس و ستایش مر خدای را، او را ستایش نموده و از او کمک میخواستیم، هر که را خداوند هدایت بخشد هرگز او را گمراه کننده نباشد، و هر که را خداوند گمراه سازد هرگز او را هدایت کننده نباشد، گواهی میدهم که بجز الله ﷻ دیگر معبود برحق نیست، و آنکه محمد ﷺ بنده خدا و فرستاده اوست. (۲) این کلمات باعث مسلمان شدن صحابی جلیل: ضماد از دی بوده، و هتیکه آنرا از رسول خدا ﷺ شنید مسلمان شد. نگاه: مختصر صحیح مسلم رقم (۴۰۹).

واحساس کوتاهی کرده اند در حق خداوند ، و بر کوتاهی و گهگاری خویش ندامت و پشیمانی نموده اند ، پس بطرف مناره توبه به قصد توبه کردن روی گردانیدند .

و گروه دیگری از حیات شقاوت و بدبختی، و از زندگی تنگ و تلخ مانده و دلزده شده اند، و ایشان در طلب و جستجوی راه برآمدن ازین تاریکیها بسوی روشنی اند .

لیکن جمعی بسیاری ازین گروه در راه توبه ایشان بعض مشکلات و سختیها بوجود میآید، گمان میکنند که آن مشکلات ایشان را از توبه کردن مانع میگردد . بعض آن مشکلات در نفس و خاطر ایشان ، و بعض دیگری در واقع و محیط ایشان است .

و از باعث آن این کتاب را نوشتم ، امیدوارم که درین کتاب بعض امور پوشیده واضح، و بعض اشتباهات معلوم ، و بعض احکام بیان گردد ، تا آنکه شیطان رانده شود .^(۱)

این کتاب مشتمل بر نکات ذیل است :

- مقدمه (پیشگفتار) در باره خطورت سبک شمردن گناهان .^(۲)
- شرح و بیان شروط توبه .
- علاجهای گرانها .
- فتاوی برای توبه کنندگان با دلیلهای از قرآن کریم ، و از سنت رسول الله ﷺ ، و سخنان علمای کرام .
- خاتمه .

^(۱) این کتاب در اصل محاضره ای بوده که بنده آن را در تاریخ (۲۷) ربیع اول از سال ۱۴۰۹ هـ ق لغاء نمودم .
^(۲) یعنی : در باره گناهان نا پروائی کردن . « مترجم »

میخواهم توبه کنم ولیکن...!!

۸

و خداوند ﷻ را دعا میکنم که مرا و برادران مسلمانانم را باین سخنان نوشته شده نفع و فایده نصیب کند .

و مرا از جهت برادرانم یک دعای نیک ، و یا نصیحت خوب کافی است .
خداوند برای همه ما توبه نصیب کند .

محمد صالح المنجد

شهر خبر ص . پ : ۲۹۹۹ .



مقدمه در باره خطورت سبک شمردن گناهان

بدان - خداوند بر من و تو رحم نماید - که خدای ﷻ همه بندگان را امرِ حتمی نموده است که توبه خالصانه ادا نمایند ، و فرموده است ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا ﴾ «سوره تحریم آیت: ۸»

ترجمه: { ای آنان که ایمان آورده اید توبه کنید به سوی خداوند توبه خالصانه } .^(۱)
و خداوند ﷻ ما را مهلت داده تا پیش از اینکه ملائکه کراماً کاتبین^(۲) گناهان ما را در نامه اعمال بنویسند _ توبه کنیم .

پیغمبر خدا ﷺ میفرماید: «لَنْ يَمُوتَ الْعَبْدُ حَتَّى يَكْتُبَ لِيَوْمِهِ سَاعَاتٍ مِنْ عَمَلِهِ»^(۳) «مردم من هرگز نمیرند مگر آنکه برای هر روز از اعمال خود ساعتی نوشته اند»

یعنی: { فرشته دست چپ - که موکل به نوشتن گناهان است - مدت شش ساعت^(۴) قلم را از بنده مسلمانِ خطاکار می بردارد^(۵)، پس اگر درین مدت پشیمان شده و از خداوند آرزو بخواند _ فرشته آن گناه را میگذارد و غنی نویسد ، و اگر نه یک گناه نوشته میشود } .

و بعد از نوشتن گناه ما را مهلت دیگری داده ؛ تا پیش از اجل رسیدن توبه کنیم .

(۱) یعنی : توبه ای که تمام شروط توبه در آن وجود داشته باشد . « مترجم » .

(۲) فرشتگان که کارهای خوب و بد انسان را می نویسند . « مترجم » .

(۳) روایت امام طبرانی در " المعجم الکبیر " و امام بیهقی در " شعب الایمان " ، و البانی - رحمه الله - اسناد این حدیث را حسن گفته است . نگاه : " سلسلة الأحادیث الصحیحة " رقم (۱۲۰۹) .

(۴) احتمال دارد که مراد ازین ساعتها ساعاتهای فلکی است که پیش همه معروف است ، و یا مراد مدت قدری از شب و روز است . نگاه : " لسان العرب " ماده : سوع ، و " فیض القدر " تالیف : المناوی .

(۵) یعنی : نگاه را که از او صادر شده نمی نویسد . « مترجم » .

و امروز مصیبت بسیاری از مردم این است که: خدای خود را ب عظمت و بزرگواری نمی شناسند (واز نافرمانی او نمی ترسند) پس او تعالی را بگماهان رنگارنگ شب و روز نافرمانی میکنند .

واز ایشان گروهی است که به سبک شمردن و خورد شمردن گماهان دچار شده اند ؛ پس می بینی یکی از ایشان را که بعض گماهان خرد و اندک را در نفس خود حقیر و ناچیز می پندارد ، و میگوید - مثلاً - : یکبار نظر کردن و یا دست زدن زنی اجنبی^(۱) چه قص و ضرر دارد؟!

و قسمهای خویش را در هنگام دیدن عکسهای حرام و ناروا در مجله ها و فیلمها به این چنین سخنها تسلی میدهند . به اندازه ای که بعض ایشان اگر حرام بودن کدام مسأله ای را بدانند (از روی استخفاف و ناپرواوی) میپرسد که در آن چند و چقدر گناه است؟! آیا گناه خرد است یا بزرگ؟!

پس وقتیکه این واقع حاصل شده را دیدی و دانستی _ میان آن و میان این دو اثر آمده - که از صحیح امام بخاری رحمه الله نقل نمود - مقارنه و برابری کن تا فرق بین هردو برایت هویدا گردد:

(۱) بجز محارم، مردان بیگانه را اجنب گویند. (مؤلف).
محرم: هر آن مرد را گویند که برای او نکاح آن زن هرگز روا نباشد، نه در حال و نه در مگه؛ بسبب نسب مثل: پدر، و پدران پدر، و پدران مادر، و پسر، و پسران پسر، و پسران دختر، و برادر، و پسران برادر، و پسران خواهر، و کاکا (صوی: برادر پدر)، و ماما (برادر مادر). و یا بسبب رضاعه (شیرخوری) مثل: پدر و پسر و برادر و کاکا و مامای شیرخوری. و هر که بسبب نسب محرم است بسبب رضاعه نیز محرم می باشد. و یا بسبب مصاهره (با کسی خویشی کردن به زن دادن و یا زن گرفتن) مثل: خسور (پدر شوهر) و پسران شوهر از زن دیگر. و غیر ازینها همه اجنب اند، و باید ازیشان حجب کند، و یا ایشان خلوت نشیند، و یکجا سفر نکند. « مترجم ».

(۱) از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که فرمود: "إنکم تعملون أعمالاً هي أدق في أعينکم من الشعر، کما نعدھا علی عهد رسول الله ﷺ من الموبقات". یعنی: { به تحقیق شما کارهایی را انجام می‌دهید که آن در نظر شما باریکتر از موی میباشد^(۱)، که ما آنرا در زمان رسول الله ﷺ از گناهان موبقات می‌شمردیم}. موبقات: یعنی گناهان بزرگ و هلاک کننده.

(۲) از حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که فرمود: "إن المؤمن یری ذنوبه كأنه قاعد تحت جبل يخاف أن يقع عليه، وإن الفاجر یری ذنوبه كذباب مرّ علی أنه فقال به هكذا - ای پیده - فذنبه عنه". یعنی: { به تحقیق که مومن گناهان خود را مانند کوه بالای سرش می‌بیند، می‌ترسد که بر وی به افتد. و اما فاجر گناهان خویش را مانند مگسی می‌بیند که بر بینی اش مرور میکند، و او را بدست خود دور می‌سازد}.
(یعنی: آنرا بسیار حقیر و ناچیز می‌گارد)

آیا این گروهی ناپروا - حالا - اندازه خطورت این کار را احساس میکنند چون این حدیث شریف را بخوانند: "إياکم ومحقرات الذنوب، فإنما مثل محقرات الذنوب كمثل قوم نزلوا بطن وادٍ، فجاء ذا بعدد، وجاء ذا بعدد، حتى حملوا ما أنضجوا به خبزهم، وإن محقرات الذنوب متى يؤخذ بها صاحبها تهلكه".

یعنی: { با حذر باشید از گناهان سبک شمرده شده، که مثال آن گونه گناهان مثال قومی است که در میان وادی^(۲) پائین شدند، و هر یک از ایشان در طلب هیزم برآمد، پس یکی یک شاخه آورد، و دیگری یک شاخه، تا بدین طریقه شاخه های زیادی از چوب

(۱) یعنی: تا این اندازه لورا سبک می‌شمارید. «مترجم».

(۲) یعنی: دره، و گهنگلی میان دو کوه. نگاه: فرهنگ صید. «مترجم».

جمع نمودند و از آن آتشی در دادند ، و طعام خویش را پخته کردند . و هرگاه کسی باین چنین گناهانیکه او را سبک و اندک و نا چیز می پندارد _ گرفته شود (محاسبه شود) هلاک خواهد شد { .

و در روایت دیگری چنین آمده : " إياكم ومحقرات الذنوب ؛ فإنهن يجتمعن على الرجل حتى يهلكه " .^(۱) یعنی : { با حذر باشید از گناهان حقیر شمرده شده ؛ زیرا این چنین گناهان باهم یکجا شده انسان را به هلاکت میرساند } .

و علما - رحمهم الله - یاد نموده اند که گاهی با گناه خُرد بی حیاتی و بی پروائی یکجا شده آن گناه خُرد را ضمن گناهان کبیره، بلکه در عین مرتبه آن میرساند، ازینجا گفته اند :
" لا صغيرة مع الإصرار ، ولا كبيرة مع الاستغفار " .

یعنی : { گناه خُرد در حال اصرار و ورزیدن به آن و ادامه دادن خُرد نمی ماند ، بلکه گناه بزرگ می گردد ، و در مقابل گناه بزرگ در حال استغفار کردن (آمرزش خواستن) بزرگ نمی ماند ، بلکه بفضل استغفار بخشیده میشود } .

و برای این گونه مردم - که راجع به گناهان خُرد ناپروائی میکنند - میگوئیم که :
به طرف خُردی گناه نگاه نکن، ولیکن به طرف آن ذاتی نگاه کن که تو او را نافرمانی کرده ای .

(۱) روایت امام احمد رحمه الله . نگاه : صحیح الجامع رقم (۲۶۸۶ و ۲۶۸۷) .

واین چند سخنی است که - این شاء الله - ازان بندگانِ راستین استفاده و بهره گیرند، آتآنکه احساس گناه و کوتاهی میکنند، نه کسانیکه پروای گناه را ندارند، و در گمراهی و باطل خویش پابند و محکم اند .

این سخن برای کسی است که ایمان دارد بقول الله تعالی : ﴿ تَبِعْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴾ «سوره حجر آیت: ۴۹» ترجمه : { خبر ده بندگاتم را که من از حد زیاد آمرزنده و مهربانم } . و در عین حال ایمان دارد بقول او تعالی : ﴿ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴾ «سوره حجر آیت: ۵۰»

ترجمه : { و خبر ده ایشان را که عذاب من همان عذاب دردناک است } .



شروط و مکملات توبه

کلمه توبه خیلی کلمه بزرگی است ، که از خود خیلی مدلولهای عمیقی دارد ، نه چنانکه بسیار مردم گمان میکنند ، که او لفظهایی است بزبان گفته میشود ، باز بر گناه دوام داده میشود .^(۱)

درین آیت مبارکه تامل نما: ﴿ وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ ﴾ «سوره هود آیت: ۳»
ترجمه: { طلب مغفرت و آمرزش کنید از پروردگار خویش ، باز بسوی او توبه نمائید } .
دیدنی که توبه چیزی بوده زیادتر از استغفار .^(۲)

و چون هر امر بزرگی از خود شرطها میداشته باشد _ علمای کرام - رحمت الله علیهم- برای توبه درست بعض شرطها یاد کرده اند ، که آن شرطها را از آیات قرآن کریم و از احادیث پیغمبر ﷺ استنباط نموده اند ، بعض آن شرطها را برایشان قرار ذیل بیان میکنم :

- ۱- از گناه فوراً باز ایستادن ، و دست برداشتن .
- ۲- بر گناه گذشته ندامت و اظهار پشیمانی کردن .
- ۳- تصمیم محکم گرفتن بر آن که بار دیگر بآن گناه باز نکردد .

(۱) یعنی : تنها (استغفر الله) و یا (توبه کردم) گفتن کفایت نمیکند تا از گناه دست نه بردارد ، وگرنه ریشخندی مینماید ، چنانچه شاعر میگوید :

سبحه بر دست، توبه بر لب، دل پر از ذوق گناه مصیبت را خنده می آید ز استغفار ما « مترجم » .

(۲) یعنی : توبه تنها استغفار الله گفتن نیست ، بلکه اضناقه بر آن پشیمانی است بر گناه گذشته ، و ترک گناه حالی ، و عزم محکم بر آنکه در آینده بآن گناه باز نگردد . « مترجم » .

۴- حقوق مردمی را که ظلم کرده است بازگردانیدن ، ویا ازیشان طلب عفو و بخشش خواستن^(۱).

و بعضی علما برای شروط توبه درست تفصیلات دیگری را یاد نمودند ، که آن تفصیلات را با بعضی مثالها درینجا یاد میکنیم :

اول : باید گناه را خاص از برای خداوند ﷻ ترک کند نه از برای چیزی دیگری ، مثلیکه آن گناه را بسبب ناتوانی ، ویا ترس از ملامت کردن مردم _ ترک کند ، نه از برای خدا . پس تائب نامیده نمی شود کسی که گناه را از برای اینکه در جاه و سمعش میان مردم تاثیر نکند ، ویا از کار و وظیفه اش دور کرده نشود _ ترک می کند .

و نیز تائب گفته نمی شود کسی که از برای محافظت و نگهبانی صحت و قوت خود گاهان را ترک میکند . مانند شخصی که زنا ویا فاحشه را از ترس مرضهای مرگ آور و ساری ، ویا از ترس اینکه جسم و ذهن وی را ضعیف نسازد _ ترک میکند .

و همچنان تائب نامیده نمی شود کسی که دزدی را ترک نموده بعلت اینکه راه درآمدن خانه را نیافته ، ویا اینکه طریقه بازکردن خزیننه را ندانسته ، ویا اینکه از پیره گاه و یا سباز آنجهت ترسیده است .

و باین ترتیب تائب نامیده نمی شود کسی که از رشوت گیری خود داری نموده از ترس اینکه شخص رشوت دهنده - ناگهان - از هیئت مکافات (از بین بردن) رشوت نباشد .

(۱) در حالیکه گناه بطریق مردم تعلق داشته باشد . « مترجم » .

و همچنان تائب گشته نمی شود کسی که شراب نوشی ، و چرس و تریاک را ترک کرده ، از جهت اینکه او مفلس و نادار است .^(۱)

و این چنین تائب نامیده نمی شود کسی که از فعل گناه عاجز مانده ، بسبب چیزی که خارج از اراده اش باشد . مانند : دروغگویی که زبانش فلج شده و از سخنگویی عاجز مانده است ، و یا زناکار که قدرت زنا کردن را از دست داده است ، و یا دزد که بسبب کدام حادثه دستش تلف شده است . (این همه تائب نامیده نمی شوند)

بلکه بر همه ایشان لازم است^(۲) که اظهار پشیمانی کنند (بر گناه گذشته) ، و تمنای معصیت نکنند (در آینده) ، و بر گناه که فعل آن برایشان میسر نشده افسوس نکنند .
و برای این گونه مردم پیامبر خدا ﷺ فرموده است که : " اللدم توبه " ^(۳) .

یعنی : { ندستی و پشیمانی بر گناه گذشته توبه به شمار می رود } .

و خداوند ﷻ شخص عاجز را که بزبان تمنای معصیت میکند بمنزلت کسی گردانیده است که آن معصیت را مرتکب شده است ، آیا نمیدانی که پیغمبر ﷺ چه فرموده است ؟
فرموده است که : " إنما الدنيا لأربعة نفر ، عبد رزقه الله مالا وعلما فهو يفتي فيه ربه ، ويصل فيه رحمه ، ويعلم الله فيه حتماً ، فهذا بأفضل المنازل . وعبد رزقه الله علماً ولم يرزقه مالا ، فهو صادق النية ، يقول : لو أن لي مالا لملت بعمل فلان ، فهو بئس ، فأجرهما سواء . وعبد رزقه الله مالا ولم يرزقه علماً ، يخبط في ماله بغير علم ، ولا يفتي فيه ربه ، ولا

(۱) یعنی قیمت آن را ندارد تا او را بخرد . « مترجم » .

(۲) تا لقب تائب را کمالی کنند . « مترجم » .

(۳) روایت امام احمد و ابن ماجه . نگاه : صحیح الجامع رقم (۶۸۰۲) .

یصل فیہ رحمہ ، ولا یعلم اللہ فیہ حقاً ، فهذا بأخبث المنازل . وعبد لم یرزقه الله مالاً ولا علماً فهو یقول : لو أن لی مالاً لعلمت فیہ بعمل فلان ، فهو بنیته ، فوزرهما سواء " (۱) .

ترجمه : { دنیا برای چهار نفر است : یکی : بنده ای که او را خداوند ﷻ مال و علم بخشیده ، پس او در باره مال خود از خدا میترسد ، وتوسط آن مال صلہ رحمی میکند ، و برای خداوند ﷻ دران مال حق قابل است (۲) ، این شخص در بهترین و بلندترین منزلتها قرار دارد . دوم : بنده ای که او را خداوند ﷻ علم بخشیده ولی مال نداده ، پس او نیت درست دارد ، میگوید : اگر من مال می داشتم همانند فلانی عمل خواهم کرد (مانند شخص اول) ، این شخص طبق نیتش جزا داده میشود ، پس اجر هردویشان برابر میباشد . سوم : بنده ای که خداوند ﷻ او را مال بخشیده ولی علم نصیب نکرده است ، پس او در مال خود بدون علم وبه پیراهی تصرف میکند ، و در باره آن از خدا نمی ترسد ، و صلہ رحمی نمیکند ، و در آن برای خداوند ﷻ هیچ حتی قابل نمی باشد ، این شخص بر بدترین و خبیث ترین منزلتها قرار دارد . چهارم : بنده ای که خداوند ﷻ او را نه مال بخشیده ونه علم داده ، پس او میگوید : اگر مال داشتم باشم همانند فلانی عمل خواهم کرد (مانند شخص سوم) ، این شخص را طبق نیتش جزا داده میشود ، پس گناه هردویشان برابر میباشد } .

(۱) روایت امام احمد و ترمذی و او را صحیح گفته است . نگاه : صحیح الترغیب والترہیب ۹/۱ .

(۲) یعنی : زکات میدهد . « مترجم » .

دوم: باید بدی و ضرر گناه را احساس کند، و معتقد باشد. باین معنی که: توبه صحیحه و درست تقاضای این را دارد که بنده هنگام دریاد آوردن گناه گذشته، ویا تمنی نمودن بازگشت بر آن گناه در آینده _ احساس لذت و خوشی نکند^(۱).

امام ابن القیم - رحمه الله - در دو کتاب خود: "الداء والدواء" و "الفوائد" ضررهای زیادی برای گناه یاد نموده، ازان جمله:

از علم محروم شدن، احساس ترس و تنهایی در دل، مشکل تمام شدن کارها، ضعف و کمزوری در بدن، از طاعت محروم شدن، برکت را از بین بردن، کم توفیقی، سینه تنگی، از یک گناه دیگر گناهان بوجود آمدن، عادت گرفتن گناهان، بی قدری و بی قیمتی گناهکار پیش خداوند ﷻ و بیش مردم، لعنتگونی چهارایان مر او را، لباس خواری و ذلت پوشانیدن، بر دل مهر نهادن، زیر لعنت داخل گردیدن، ناپذیرفتن دعا، فساد و تباهی در بیابان و دریاها، نابود شدن غیرت (بی ناموسی)، از بین رفتن حیاء و عفت، زایل گردیدن نعمتها، پائین آمدن عقوبتها، ترس و هراس در دل گناهکار، در اسارت (دستگیری) شیطان افتادن، مجازمه بد مبتلا شدن، عذاب آخرت را مستحق شدن.

شناختن بنده این گونه ضررها را - که گناه در بی دارد - برایش باعث میگردد که از تماماً گناهان بکلیت باز ایستد و دور شود؛ زیرا برخی از مردم گاهی از یک گناه دور شده به گناه دیگر انتقال میکند، باعث بعض اسباب، که ازان جمله:

۱- گمان میکند که گناه اخیر از گناه اول کمتر و سبک تر است.

(۱) وانگر نه در توبه خویش راستگو نباشد، زیرا بنده ای که در توبه خود راست میگوید در هنگام دریاد آمدن گناه احساس درد و اندوه و پشیمانی میکند. « مترجم ».

۲- به خاطریکه نفس او بگناه دوم زیادتر میل دارد ، وشهوت وخواهش او جهت آن قوی تر است .

۳- به خاطریکه اسباب گناه دوم میسرتر است نسبت بگناهان دیگر که تهیه وتیاری گرفتن بکار دارد ، واسباب او تاهنوز مهیا ومیسر نشده .

۴- به خاطریکه رفیقان وهمشینان او بر آن گناه مقیم اند ، وبر او مشکل است که آنها را ترک کند وازیشان خود را جدا سازد .

۵- گاه بعض گناهان انسان گنهگار را میان یار واصحابش^(۱) جاه ومکانت می بخشد ، پس او نمی خواهد که این مقام ومنزلت را از دست دهد ، واز باعث آن بر گناه خود دوام میدهد ، طوریکه بعض سران گروه شر وفساد درین گونه مصیبت دچار اند .

مثل ابو نواس - شاعر ببیاک - که ابو عتاهیه - شاعر واعظ - هنگام که نصیحتش کرد ، وبر ببیاک و بی پروائی اش در باره گناهان ملامتش کرد ، پس او در جواب ابو عتاهیه این ابیات را گفت :

أثرانی یا عتاهیه تارکاً تلك الملاهی

أثرانی مفسداً بالنسك عند القوم جاهی

یعنی میگوید : ای ابو عتاهیه! آیا گمان میکنی که من این ببیاک خود را ترک میکنم؟! ویا بسبب عبادت وپرهیزکاری جاه ومقام را پیش مردم^(۲) باخت میدهم؟! نه خیر ، این کار را نمیکم .

(۱) که مثل خودش گنهگار اند . « مترجم » .
(۲) مردم پست و ببیاک مانند خودش . « مترجم » .

سوم : باید بنده به توبه کردن بشتابد ، و مبادرت ورزد ؛ زیرا تاخیر نمودن توبه خودش در ذات خود یک گناهی است که حاجت توبه کردن دارد .

چهارم : باید از ناقص بودن توبه اش در ترس باشد ، و جزم نکند که حتماً توبه وی قبول است ، تا مبادا بآن سبب تکیه بر نفس خویش نموده ، و از مکر خدا ﷻ^(۱) در ایمن باشد .

پنجم : اگر چیزی از حق خداوند را پیش از توبه کردن ادا نکرده باشد ، و ادا کردن آن برایش ممکن باشد ، باید آنرا ادا کند .

مثل زکات ، اگر در حال معصیت زکات نداده باشد ، باید بعد از توبه آن زکات را ادا کند^(۲)؛ چرا که زکات علاوه از اینکه حق خداوند است فقیران نیز در او حق دارند .

ششم : از جای معصیت خود را دور سازد ، اگر وجود او در اینجا او را دوباره در معصیت دچار میکرده باشد .

هفتم : باید از کسیکه او را در فعل معصیت کمک کرده است دور شود ، و جدا گردد .

(۱) مکر خدا : رسانیدن عقوبت و عذاب به بنده بطوریکه او گمان نکند . « مترجم » .
(۲) این حکم در حق کسی است که معصیت او کفر و یا شرک نباشد ؛ زیرا کفر و یا مشرک اگر توبه کند بر او لازم نیست که چیزی از احکام اسلام را که در حال کفر ترک نموده بود _ قضاه کند . « مترجم » .

و این مسأله و مسأله ای که پیش ازین بود هر دو از حدیث قاتل صد نفر گرفته شده ، که آن حدیث را در آینده ذکر کرده میشود .

و خدای ﷻ میفرماید : ﴿ الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴾ «سوره زخرف آیت: ۶۷» یعنی : { دوستان در روز قیامت بعضی ایشان با بعضی دشمن میباشند مگر پرهیزگاران } .

و در روز قیامت رفیقان و همنشینان بد یکدیگر را لعنت میکنند ، و ازین جهت بر تو لازم است - ای بنده توبه کننده - که از چنین همنشینان بد دور شوی ، و علاقه خود را از ایشان بریده ، و دیگران را از دوستی و همنشینی با ایشان برحذر نمائی ، در حالیکه ایشان را دعوت و نصیحت نمی توانی کرد .

و با حذر باش که شیطان ترا به بهانه دعوت و نصیحت آنها بار دیگر با آنها آشنا نسازد ، و قتیکه خودت میدانی که ضعیف هستی و با ایشان مقاومت کرده نمیتوانی (دعوت آنها را برای کسی دیگری بگذار ، و خودت احتیاط کن)^(۱)

و در ساحه حالات زیادی ثابت میسازد که اشخاص زیادی بعد از توبه کردن بار دیگر بمعصیت باز گردیدند ، و آن بسبب دوباره علاقه گرفتن با همنشینان قدیم خویش .

هشتم : باید وسایل گناه ، و محرمات را که نزدش وجود دارد اتلاف کند و تا ببردش بسازد^(۲) ، مانند : مسکرات (شراب و غیره) ، و آلات لهو مثل : طنبوره و نای ، و با عکسها و فیلمهای

(۱) عبارتی که میان دو قوس است از اضافات مترجم میباشد برای توضیح جمله . « مترجم » .

(۲) تا باعث باز گردیدن او بگناه نشود . « مترجم » .

ناروا ، وقصه های بیباکی ، و تمناها ، (و غیره) . این همه را باید بشکند و اتلافش کند و یا بسوزانش .

پس بنده توبه کننده باید همه لباسهای جاهلیت و گناهکاری را در درگاه استقامت کشیده بافکند^(۱)، و این کار را باید بکند .

و در زمینه چندین قصه ها است از اشخاصی که توبه کرده بودند ولی این محرمات را از نزد خود دور نکردند ، پس باعث و سبب بازگشت و رجوع ایشان از توبه ، و گمراهی ایشان بعد از هدایت گردید .
از خداوند ثبات و استقامت را سوال داریم .

نهم : باید برای همنشینی خود رفیقان نیکوکاران را اختیار کند ، که او را بر کارهای نیک کمک کنند ، و برای او عوض همنشینان بد همنشین شوند .

و باید در جلسهای علم و ذکر حاضر شود ، و وقفهای خویش را بکارهای فایده مند پُر سازد ؛ تا شیطان نزد او هیچ وقت فراغ نیابد که او را بگذشته ها یاد آور سازد .

دهم : باید تن و بدن خویش را که در حرام آلوده ساخته ، و بخوراک حرام تغذیه داده بود _ در طاعت و عبادت خدا ﷻ مصروفش بگرداند ، و نان و خوراک خویش را حلال گرداند تا برایش گشت خوب برود .

(۱) مراد از استقامت : راست شدن و پابند بودن بدین ، و مراد از افگندن : انداختن است . « مترجم » .

یازدهم : توبه باید پیش از رسیدن جان بفرغره ، وپیش ازینکه آفتاب از مغرب برآید _
بوقوع آید ، (وگرنه قبول نمی شود) .

و فرغره : آوازیست که وقت جان کندن از حلق بیرون می آید .

و مقصود اینکه : باید توبه پیش از قیامت صغری (مرگ) وپیش از قیامت کبری (روز
قیامت) صورت بگیرد ، (تا قبول شود) بدلیل این حدیث : " من تاب إلى الله قبل أن یفرغ
قبل الله معه " .^(۱) یعنی : { هر که پیش از رسیدن جان بفرغره بسوی خدا ﷻ رجوع نماید
و توبه کند خداوند توبه او را قبول میفرماید } .

و در حدیث دیگری چنین آمده : " من تاب قبل أن تطلع الشمس من مغربها تاب الله
عليه " .^(۲) یعنی : { هر که پیش ازینکه آفتاب از مغربش برآید توبه کند خداوند توبه او را
می پذیرد } .

(۱) روایت امام احمد وترمذی . نگاه : مسیح الجامع رقم (۶۱۳۲) .
(۲) روایت امام مسلم : کتاب الذکر باب استجاب الاستغفار رقم (۶۸۰۱) .

توبه بزرگ

اینجا یک نمونه از توبه رعیل اول این امت صحابه رسول خدا ﷺ را یاد می‌نمائیم :
 از حضرت بریده رضی الله عنه روایت است که : ماعز بن مالک اسلمی پیش رسول الله ﷺ آمده
 و فرمود : یا رسول الله من بر نفس خود ظلم نموده و در زنا واقع شدم ، و می‌خواهم که مرا
 ازین گناه پاک سازید . آنحضرت ﷺ او را بازگردانید . پس چون فردا شد باز بخدمت
 آنحضرت ﷺ آمده و فرمود : ای پیغمبر خدا من واقعا زنا کردم . بار دیگر آنحضرت ﷺ
 او را بازگردانید . سپس پیغمبر خدا ﷺ بسوی قوم او کسی را فرستادند ، و ازیشان
 پرسیدند : آیا در عقل او کدام عیبی را میدانید ؟ آیا از تصرف او چیزی انکار دارید ؟ .
 گفتند : قرار که ما میدانیم او دارای عقل کامل و سالم است ، و یکی از نیکوکاران ما
 بشمار میرود .

روز سوم باز پیش رسول خدا ﷺ آمده و گفته خود را عرض نمود . آنحضرت ﷺ بار
 دیگر بسوی قوم او نفر فرستاده و از حال او پرسید ، قوم او در جواب گفتند : ما نه در ذات
 او ، و نه در عقل او هیچ کدام عیبی را نمی‌دانیم .

بار چهارم که پیش رسول خدا ﷺ آمد ، امر فرمودند برایش یک چاله (چقری) کده
 شد ، سپس صحابه کرام را امر فرمود او را سنگسار کردند .

حضرت بریده رضی الله عنه میفرماید : پس ازان زنی که بغامدیه یاد میشد نزد رسول خدا ﷺ
 آمده و گفت : یا رسول الله ! من زنا کردم ، مرا ازین گناه پاک ساز .

آنحضرت ﷺ این زن را نیز بازگردانید. فردا باز پیش رسول خدا ﷺ آمده وگفت: ای رسول خدا! چرا مرا باز میگردانید؟ شاید میخواسته باشید مرا مانند ماعز بازگردانید تا از حال من پرسید؟ بخدا قسم که من از اثر زنا حامله دار هستم.

آنحضرت ﷺ فرمودند: حالا تو را چیزی نخواهم کرد، تا آنگاه که آنچه در رحم داری تولد شود. پس ناچار آن زن رفته، ووقتیکه کودکش تولد شد، در یک کالا او را پیچانده بخدمت پیغمبر خدا ﷺ آمده وگفت: اینک او را ولادت نمودم. جنابشان فرمودند: برو این کودک را شیر بده تا از شیر جدا شود. آن زن رفته و او را شیر داد، ووقتیکه از شیر جدا شد، در دستش یک پاره نان داده وپیش رسول خدا ﷺ آورد، وگفت: یا رسول الله! اینک او را شیر دادم تا از شیر جدا شد، و حالاً نان میخورد.

جناب پیغامبر خدا ﷺ آن کودک را برای یک مرد از مسلمانان سهارید، و بعد ازان امر فرمود تا برای آن زن به اندازه سینه اش چاله کنند، و مردم را امر کرد او را سنگسار کردند.

حضرت خالد بن الولید رضی الله عنه بر سر آن زن یک سنگ زد، خون آن بر روی حضرت خالد پاش شد، پس حضرت خالد او را دشنام داد، رسول خدا ﷺ دشنام او را شنید، برایش گفت: "مهلا یا خالد! فوالذي نفسي بيده لقد تابت توبة لو تابها صاحب مكس لفقوله" ^(۱). یعنی: {ای خالد! صبر کن. قسم بذاتیکه جانم بدست اوست، این زن

(۱) روایت امام مسلم در صحیحش کتاب حدود باب من اعترف على نفسه بالزنا مشروء حدیث (۴۴۰۷).

چنان توبه نموده است که اگر باج گیر^(۱) آن چنان توبه کند گنااهش بخشیده خواهد شد { . پس ازان امر کردند بر جنازه آن زن نماز جنازه خواندند ، و دفنش کردند .
و در بعض روایات آمده که حضرت عمر رضی الله عنه گفتند : یا رسول الله! او را سنگسار کردید باز بر او نماز جنازه هم میخوانید؟! فرمودند : " لقد تابت توبه لو قسمت علی سبعین من أهل المدينة وسعتهم، وهل يحدث شيئاً أفضل من أن جادت بنفسها لله تعالى ".^(۲)
یعنی : { البته این زن چنان توبه نموده است که اگر توبه ویرا میان هفتاد تن از اهل مدینه بخش کرده شود همه ایشان را بخوبی کفایت میکند ، آیا ازین هم چیزی بهتر خواهد یافت که نفس خود را برای خدا تعالى ارزانی نموده است . . .؟! }

(۱) باج گیر : کسی است که از مردم باج (ضریبه) میگیرد ، صاحب فرهنگ عمید در تعریف باج چنین گفته است : باج - یا بلز : خراج ، مالیات ، عوارض ، آنچه که در قدیم پادشاهان بزرگ از پادشاهان مغلوب وزیر دست خود میگرفتند ، پولی که راهداران از مسافران بگیرند ، (ونیز) بمعنی پولی که بزور از کسی گرفته شود _ میگویند .
« مترجم » .

(۲) روایت امام عبد الرزاق در مصنف خویش ۳۲۵/۷ . گفتیم (مترجم) : اصل این روایت نیز در صحیح امام مسلم به شماره (۴۲۰۸) وارد شده است .

توبه گناهان گذشته را محو و پاک میسازد

شاید کسی بگوید: من میخواهم توبه کنم ، ولیکن چه چیز برایم مغفرت خداوند را ضامن میشود اگر من توبه کنم ؟

ومن دوست دارم که در راه استقامت راه روم ، ولیکن در داخلم احساس تردد میکنم ، و اگر من بدرستی بدانم که خداوند ﷻ مرا می آمرزد البته توبه خواهم کرد .

برای این شخص میگویم : آنچه تو در نفس خویش احساس میکنی ، آنرا نیز برخی از مردم که پیش از تو بودند - از صحابه رسول الله ﷺ - احساس نمودند . و اگر درین دو روایت با یقین تأمل نمائی ، آنچه در نفس داری - این شاء الله - دور خواهد شد :

* روایت اول : امام مسلم - رحمت الله علیه - قصه مسلمان شدن حضرت عمرو بن العاص ﷻ را روایت نموده است ، و در قصه وی آمده است که : عمرو بن العاص ﷻ فرمودند : زمانیکه خدای ﷻ محبت دین اسلام را در دلم جای داد بخدمت پیغامبر خدا ﷺ آمده و برایش گفتم : دست مبارک تان را پیش کنید تا شما را مباحثت کنم .

آنحضرت ﷺ دست مبارکشان را پیش کردند ، من دست خود را پس کشیدم ، جنابشان فرمودند : چه شد ترا ای عمرو ؟ ! . گفتم : خواستم که - پیش از مسلمان شدن - شرط بگذارم . فرمودند : چه شرط خواهی گذارید ؟ . گفتم : آنکه الله تعالی مرا پیامرزد . فرمودند : " أما علمت - یا عمرو - أن الإسلام یدم ما کان قبله ، وأن الهجرة

تهدم ما کان قبلها ، وأن الحج یدم ما کان قبله ^(۱) . یعنی : { ای عمرو .. آیا نمیدانی که دین اسلام گناهان ما قبلش را پاک میسازد ؟ وهجرت گناهان پیشین را محو میسازد ؟ وحج بدیهای گذشته را نابود میسازد ؟ } .

* **روایت دوم** : امام مسلم - رحمت الله علیه - از حضرت ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت نموده است : که یک گروه از مشرکین که از حد زیاد قتل وزنا کرده بودند ، بخدمت پیغامبر خدا ﷺ آمده وگفتند : آنچه میگوئید و بسوی او دعوت میکنید خیلی چیززی خوب هستندیده است ، مگر ما را خبر ده که آنچه ما عمل نمودیم (از گناهان و بدیها) از خود کفاره ^(۲) دارد یا نه ؟ .

خدای ﷻ در جواب ایشان این آیت مبارکه را نازل فرمود : ﴿ والذین لا یدعون مع الله إلهاً آخر ولا یقولون النفس التي حرم الله إلا بالحق ولا یزنون ومن یفعل ذلك یلق أثاماً ^(۳) * یضاعف له العذاب یرم القیامة ویخلد فیه مهاناً * إلا من تاب وآمن وعمل عملاً صالحاً فأولئك یبدل الله سیئاتهم حسنات وكان الله غفوراً رحیماً ﴾ «سوره فرقان آیت: ۶۸ تا ۷۰» .

ترجمه: { و بندگان راستین خدا ﷻ کسانی اند که با خداوند ﷻ معبود دیگری را عبادت نمیکند ، و نفسی را که خداوند ﷻ کشتن آن را حرام گردانیده نمی کشند مگر براه حق ، و زنا نمیکند . و اگر کسی مرتکب این گونه گناهان شود بعقوبت سخنی برخوردارد ، که روز قیامت برای او عذاب را دوچند کرده شود ، و دران عذاب همیشه خوار

(۱) نگاه : صحیح مسلم معلم کتاب ایمان باب کون الإسلام یدم ما قبله شماره حدیث (۳۱۷) .

(۲) کفاره : آنچه گناه را پاک میزند . « مترجم » .

(۳) در روایت در ذکر آیت تا اینجا اکتفا نموده ، ولی من بقی آیت را تکمیل نمودم تا مقصود هویدا گردد .

« مترجم » .

و رسوا بماند ، مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل شائسته کنند پس خدای عزوجل بدیهای ایشان را بخوبیها مبدل میسازد، و خداوند آمرزنده و مهربان است .

و این آیت مبارکه را نیز نازل نمود : ﴿ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذَّنْبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴾ «سوره زمر آیت : ۵۳»^(۱).

یعنی : { ای پیغمبر ﷺ از طرف من برای بندگانم بگو : ای بندگان من .. ای کسانی که بر نفسهای خویش اسراف نمودید - یعنی از حد زیاد گناه کرده اید - از رحمت خدا ﷻ نا امید نشوید ، به تحقیق خداوند همه گناهان را می آمرزد^(۲)، به تحقیق خداوند نهایت آمرزگار و مهربان است . }

(۱) نگاه صحیح امام مسلم کتاب ایمان باب فی قوله تعالی: ﴿ وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ﴾ شماره حدیث (۳۱۸).
(۲) بشمول کفر و شرک و نفاق ، برای کسی که پیش از مرگ توبه کند ، و اما آیت ﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ ﴾ یعنی : خداوند هیچ گونه شرک آوری را نمی آمرزد . پس مراد از آن کسی است که توبه ناکرده و مشرک مرده است . « مترجم » .

آیا خداوند مرا می آمرزد ...؟!؟

و شاید بگوئی : من میخواهم توبه کنم ولیکن گناهانم از حد زیاد است ، و هیچ نوع از بدیها و فاحشات را نگذاشتم مگر اینکه او را مرتکب شدم ، و هیچ گاهای نیست که در خیالت میآید و یا نمی آید مگر اینکه او را من کرده ام ، به اندازه ای که حالا نمیدانم آیا خداوند ﷻ برایم آن گناهان را که در طول آن سالهای دور و دراز مرتکب شده بودم ... می آمرزد یا نی ؟!؟

در جواب برایت میگویم : ای برادر مهربانم .. مشکلی را که عرض نمودی مشکل تو تنها نیست ، بلکه او مشکل بسیاری از مردم است که میخواهند توبه کنند ، و درین باره یک مثال در یادم میآید ، که یکبار یکی از جوانان می پرسید که : او از خردی در فعل معصیت آغاز نموده است ، فقط بهنگام هفده سالگی او را یک سجل نامه خیلی بزرگ پر از همه بدیهای خرد و بزرگ ورنکارنگ ثبت گردیده ، که آن بدیها را با مردمان مختلف از خردسالان و کلان سالان ممارست نموده ، اندازه ای که بر یک دخترک خرد اعتدا نموده ، و چندین دزدیها کرده است ، و میگوید : حالا من توبه کردم ، و بسوی خداوند رجوع نمودم ، و بعض شبها بیدار شده نماز میخوانم ، و هر دو شنبه و پنجشنبه روزه میگیرم ، و بعد از نماز بامداد قرآن تلاوت میکنم ، آیا توبه من درست میگردد ؟

مبدأ و عقیده ما مسلمانان چنین است که در طلب فهمیدن احکام ، و کشادن مشکلات ، و دانستن عللها ... باید رجوع بکتاب خدا ﷻ و سنت مصطفی ﷺ بکنیم .

پس ما هنگامیکه در قرآن کریم بحث نمودیم جواب این مسئله را - بطور بسیار واضح و روشن که حاجت به توضیح و بیان ندارد - در این آیت مبارکه دریافتیم: ﴿ قل یا عبادي الذین أسرفوا علی أنفسهم لا تقنطوا من رحمة الله إن الله یغفر الذنوب جمیاً إنه هو الغفور الرحیم ﴾ * وانیبوا الی ربکم وأسلموا له . . ﴿ «سوره زمر آیت: ۵۴ و ۵۳» .^(۱)

اما این را احساس نمودن که گناه او بسیار زیاد است ، به اندازه ای که از حدود مغفرت خدا بیرون است . پس باعث این احساس چند سبب میباشد:

یکی : یقین نداشتن بنده به رحمت وسیع و بی نهایت خداوند ﷻ .

دوم : ناقص بودن ایمان بنده بقدرت و توانائی خداوند ﷻ بر آمرزیدن همه گناهان .

سوم : ضعیف بودن یکی از مهمترین اعمال قلب که او عبارت از رجا (یعنی: امید) است .

چهارم : اندازه مغفولیت و اثر توبه را - در محو و پاک ساختن گناه - ندانستن .

(یعنی : بفایده و اثر توبه یقین نداشتن) .

وهریک ازین چهار امور را جواب خواهیم داد :

پس در بیان جواب اول باین آیت مبارکه اکفا مینمائیم که خدای تعالی میفرماید :

﴿ورحمتی وسعت کل شیء﴾ «سوره اعراف آیت: ۱۵۶»

یعنی : { ورحمت من همه چیزها را در بر گرفته است } .

(۱) آیت اول را در صفحه (۲۹) ترجمه کرده شده ، ولی معنای جمله ﴿ وانیبوا الی ربکم وأسلموا له ﴾ این است که : ویلز گردید بسوی پروردگارت خویش و برای او گردن نهانید . « مترجم » .

واما در بیان جواب دوم پس باین حدیث قدسی^(۱) صحیح اکثفا میگیریم (که جناب پیغمبر خدا ﷺ روایت نموده) که الله تعالی فرموده است: "من علم انی ذو قدرة علی مغفرة الذنوب غفرت له ولا ابالی، ما لم یشرك بی شیئاً"^(۲).

یعنی: { هر کسی که بداند - وایمان بیاورد - که من بر مغفرت گناهان قدرتمند و توانا ام، البته آنکس را پیامرزم و باکی ندارم، بشرطیکه بمن هیچ چیزی را شریک نیاورد}. و این واقعه در روز آخرت در هنگام ملاقات بنده با خدای خود مییاشد.

واما مشکل سوم را پس این حدیث قدسی بزرگ علاج خواهد کرد: "یا ابن آدم انک ما دعوتی و رجوتی غفرت لك علی ما کان منک ولا ابالی، یا ابن آدم لو بلغت ذنوبک عنان السماء ثم استغفرتی غفرت لك ولا ابالی، یا ابن آدم لو أتیتني بقراب الأرض خطايا ثم لقيتني لا تشرك بي شیئاً لأتيتك بقرابها مغفرة"^(۳).

یعنی: { ای فرزند آدم... هرگاه که مرا دعا کردی و از من امید نمودی ترا می آرزم - بر هر عملیکه باشی - و باکی ندارم. ای فرزند آدم... اگر گناهانت - از بسیاری - با آسمان برسد، باز هم از من آموزش بخواهی، ترا می آرزم و باکی ندارم.

ای فرزند آدم... اگر به پُری زمین از گاهان نزد بیانی^(۴)، سپس با من رو برو شوی، بر حالیکه بمن چیزی را شریک نیاورده باشی - البته من به اندازه پُری زمین از مغفرت به نزدت خواهم آمد {.

(۱) حدیث قدسی: حدیث که پیغمبر خدا ﷺ از پروردگارش روایت کند، که از حیث معنی من عند الله باشد، و از حیث لفظ از پیغمبر خدا ﷺ باشد. « مترجم ».

(۲) روایت امام طبرانی در " المعجم الکبیر " و امام حاکم. نگاه: صحیح الجامع رقم (۴۲۲۰).

(۳) روایت امام ترمذی. نگاه: صحیح الجامع رقم (۴۲۳۸).

(۴) یعنی: گناهانت بقدره پهنای زمین باشد، که زمین را با حجم خود پر سازد. « مترجم ».

اما در جواب مشکل چهارم پس این حدیث شریف کفایت میکند که آنحضرت ﷺ فرمودند: "التائب من الذنب کمن لا ذنب له" ^(۱).
یعنی: { شخصی که از گناه توبه میکند مانند کسی است که هیچ گناه ندارد } .
و برای هر آن کسانی که مغفرت و آمرزش خداوند ﷻ را برای گناهان و بدیهای فراوان خویش سخت و مشکل می پندارند _ این حدیث شریف را تقدیم می‌داریم:

^(۱) روایت امام ابن ماجه . نگاه : صحیح الجامع رقم (۳۰۰۸) .

توبه قاتل صد نفر

از حضرت ابو سعید سعد بن مالک بن سنان خدري رضی الله عنه روایت است که جناب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در کسانی که پیش از شما بودند یک شخصی بود، که نود و نه نفر را کشته بود، آن شخص مردم را پرسید که دانشمندترین اهل زمین کیست؟ (تا او را از گناه خود بپرسد)، مردم او را بسوی یک راهب ^(۱) رهنمائی کردند. پیش آن راهب رفته و او را پرسید که: من نود و نه نفر را قتل نمودم، آیا برای من چاره توبه کردن است یا نی؟. راهب گفت: نه خیر. (یعنی: جرم تو توبه ندارد) آن شخص راهب را نیز قتل نمود، و با او تعداد صد نفر را تمام ساخت، باز بار دیگر مردم را پرسید که عالمترین اهل زمین کیست؟ این بار او را به یک عالم رهنمائی کرده شد، پیش آن عالم رفته و پرسید که: من صد نفر را کشته ام، آیا برایم فرصت توبه کردن است یا نی؟. عالم گفت: آری، (چرا نیست؟)، کدام کس بین تو و بین توبه کردن مانع شده میتواند...؟! و برایش گفت: به فلان سرزمین برو، آنجا مردمانی هستند که خدا را پرستش و عبادت میکنند، تو نیز با آنها یکجا خداوند صلی الله علیه و آله را پرستش و عبادت کن، و آنجا باش، و به سرزمین خود باز نگرد؛ زیرا او سرزمین بد است، آن شخص بسوی آن سرزمین موصوف روان شد، در نیم راه مرگ او رسیده و وفات نمود، پس در باره او ملائکه رحمت و ملائکه عذاب نزاع و جنگال کردند، ملائکه رحمت گفتند: این شخص بسوی خدا صلی الله علیه و آله از صدق

(۱) راهب: عابد و گوشه نشین ویر هیزگلر مردم نصرلی. « مترجم ».

دل توبه نموده آمده است ، (پس او از نصیب ما است) ، و ملائکه عذاب گفتند : این شخص هیچ گونه کار خیر نکرده است ، (پس او از نصیب ما است) .

دران اثنا یک فرشته در صورت آدمی نزد ایشان آمد ، آنها او را بین خویش حاکم و فیصله کن مقرر نمودند ، (تا میان ایشان به چیزیکه مناسب می بیند فیصله کند) ، آن فرشته برایشان گفت : شما میان هر دو سر زمین اندازه گیری کنید ، به هر سر زمینیکه نزدیکتر باشد از نصیب آن سر زمین میباشد . پس میان هر دو سر زمین اندازه گیری کردند ، و او را بسر زمین که نیت رفتن بآن داشت نزدیکتر یافتند ، پس ملائکه رحمت او را گرفته و با خود بردند .^(۱)

و در روایت دیگری در صحیح آمده که : او بقره نیک یک وجب قرب تر بوده ، پس از اهل آن قره شمرده شد . و در روایت دیگری در صحیح چنین آمده که : الله تعالی بزمن که اهل آن مردم بد بودند وحی نمود که : دور شو . و بزمنی که مردم آن نیکوکاران بودند وحی نمود که : نزدیک شو . و فرمود : میان هر دو اندازه گیری کنید . پس او را بسر زمینیکه سوی آن روان بود نزدیک تر یافتند ، و همان بود که گناه او را آمرزیده شد .

بلی .. کدام کس میتواند که بین او و بین توبه مانع گردد ..؟!!

ای کسیکه میخواهی توبه کنی .. آیا گناهان خود را از گناهان این شخص بزرگتر

می بینی که خداوند توبه او را پذیرفته است ..؟!!

پس تا امیدوی چرا ..؟!!

(۱) منقول علیه . نگاه : صحیح امام بخاری شماره حدیث (۳۴۷۰) و صحیح امام مسلم کتاب توبه باب قبول توبه القتل و این کثر قله شماره حدیث (۴۹۳۹).

بلکه - برادر مسلمان - قضیه ازین هم بزرگتر است ، درین آیات مبارکات تأمل نما :

﴿ والذین لا يدعون مع الله إلهاً آخر ولا يقتلون النفس التي حرم الله إلا بالحق ولا يزنون . ومن يفعل ذلك يلق أثاماً * يضاعف له العذاب يوم القيامة ويخلد فيه مهاناً * إلا من تاب وآمن وعمل عملاً صالحاً فأولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات وكان الله غفوراً رحيماً ﴾

«سورة فرقان آیت : ۶۸ تا ۷۰»^(۱) .

تنها نزد قول حق سبحانه و تعالی : ﴿ فأولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات ﴾ ایستادن و تأمل نمودن تو را از فضل بزرگ الله تعالی خبر دار میسازد .

علمای کرام میفرمایند: تبدیل که درین آیت مبارکه مذکور است بر دو نوع است :

یکی : تبدیل نمودن صفتهای بد و نا درست به صفتهای نیک و پسندیده ، مثل اینکه ایشانرا بجای شرک ایمان ، و بجای زنا عفت ، و بجای دروغگوئی راستگوئی ، و بجای خیانت امانتداری _ ارزانی کند ، و همین کیفیت دیگر صفتهای بد ایشان را به صفتهای خوب تبدیل میکند .

دوم : تبدیل نمودن کارهای بدی که ایشان در دنیا مرتکب شده بودند به حسنات و اجر و ثواب در روز قیامت .

و درین جمله ﴿ یبدل الله سیئاتهم حسنات ﴾ بدقت تأمل نما ، الله تعالی میفرماید که : بدیهای ایشان را به خوبیها مبدل میسازد ، و نه گهت که : هر یکی از بدیهای ایشان را بیک خوبی مبدل میسازد ؛ چراکه شاید آن خوبی - از نگاه عدد و یا کیفیت - از آن

(۱) ترجمه این آیتها در صفحه (۲۸) گذشته است . « مترجم » .

بدی کمتر و یا زیاده‌تر و یا با او برابر باشد ، راجع به صدق و کمال توبه توبه گذار ، پس کدام فضل و احسان را بزرگتر ازین فضل الهی دیده ای . . ؟! و این فضل و کرم خداوندی را درین حدیث شریف نگاه کن :

عبد الرحمن بن جبیر - رحمت الله علیه - روایت کرده است که ابو طویل "شطب الممدود" (یکی از صحابه کرام رضی الله عنه) بخدمت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله آمد - و در دیگر طرق حدیث چنین آمده که : مردی موسفید ، پیر ، و کهن سال ، که از بسی کلان سالی موههای هر دو ابرویش بر هر دو چشمانش فرود آمده بود ، بر یک عصا چوبی تکیه نموده ، (توبه بسیار مشکلات زیاد) پیش پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله آمده ایستاد شده - و گفتم : مرا از مردی خبر ده که هیچ گزیده گناه را نگذاشته مگر او را مرتکب شده است ، و او در مجال معصیت هیچ خردی و یا بزرگی را نگذاشته مگر اینکه آن را مرتکب شده است - و در روایت دیگری گفته است : و هیچ حقی از حقوق مردم را نگذاشته مگر اینکه او را بدست خویش کده و گرفته است ، آنقدر گناه او زیاد است که اگر میان همه اهل زمین بخش کرده شود آنها را هلاک خواهد کرد - آیا برای این مرد کدام فرصتی هست که توبه کند . . ؟! آنحضرت صلی الله علیه و آله در جواب گفتند : آیا مسلمان شده ای . ؟ گفت : من گواهی میدهم که نیست معبود برحق مگر الله و گواهی میدهم که تو رسول و فرستاده او تعالی هستی . آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند : اعمال خیر را انجام ده ، و کارهای بد را بگذار ، خداوند صلی الله علیه و آله در نتیجه همه گناهان تو را بخوبیها و حسنات مبدل میسازد .

گفت : و خیاتها و تباهاکاری هایم همه نیز چنین میباشند . . ؟! فرمودند : آری .

آن مردی موسفید (از خوشی زیاد) گفت: **الله اکبر^(۱)**. و تا که از نظر مردم دور شد تکبیر میگفت.^(۲)

و اینجا شاید شخص تایی سوال کند، و بگوید: من چون گمراه بودم نماز نمی خواندم، یعنی: از ملت اسلام بیرون بودم^(۳)، و در آن اثنا بعض کارهای نیک هم انجام داده بودم، آیا آن کارها به نفع و فایده من حساب میگردد...؟ یا اینکه در دم با دها رفته گم و گمزار شده است...؟

در جواب برایت این حدیث شریف را عرض مینمایم: از عروة بن الزبیر - رحمت الله علیه - روایت است که حضرت حکیم بن حزام رضی الله عنهما وی را خبر داده است، که او به پیغامبر خدا صلی الله علیه و آله گفته بوده: یا رسول الله.. خیرم ده از کارهایی که من آنرا در هنگام جاهلیت (پیش از اسلام) بقصد پرستش و عبادت انجام میدادم، از قبیل صدقه دادن، غلام آزاد ساختن، وصله رحمی... آیا در آن کارها برایم کدام اجر و ثوابی هست یا نه؟ پیغمبر صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند: "أسلمت علی ما أسلمت من خیر".^(۴)

(۱) الله اکبر گفتن در اینجا معنای مهمی دارد، یعنی: هر چند که گناهت زیاد و بزرگ باشد، خداوند از آن هم بزرگتر است، پس تو نیز برادر گناهگرم - و هر یک از ما آن گناهکاریم - در دهن شیطان فریبکار سنگ زده، الله اکبر بگو، و خود را از امیری شیطان رها نموده، و به بتنگی الله صلی الله علیه و آله مشرف ساز. «مترجم».

(۲) امام هیشی گفته است: این حدیث را امام طبرانی و یزید بن عقیل از طریق روایت نمودند، و روایت اسناد امام یزید همه راویان صحیح اند، بجز محمد بن هارون سکنی به ابو نضیله، و او هم گفته است. نگاه: مجمع الزوائد ۱/۳۶. و امام مخزومی گفته است: اسناد این حدیث درست و قوی است. نگاه: التترغیب والترهیب ۱۱۲/۴. و امام ابن حجر گفته است: اسناد این حدیث با شرط صحیح برابر است. نگاه: الإصطیحة فی تملیذ الصلحیة ۱۴۹/۴. ترجمه: شطب.

(۳) ترک نماز در صحیح ترین اقوال علماء کفر است، و انسان را از دین اسلام بیرون میسازد، و در زمینه دلیلهای زیادی است، از آن جمله این حدیث را یاد میکنم: "العهد الذی بیننا و بینهم الصلاة فمن ترکها فقد کفر". ترجمه: حد فاصل میان ما و میان کفار نماز است پس هر که نماز را ترک کند کافر میشود. روایت امام ترمذی و امام نسائی و امام حاکم و غیر هم. نگاه: صحیح الجامع رقم (۴۱۴۳). «مترجم».

(۴) روایت امام بخاری شماره حدیث (۱۴۳۶) و (۲۲۲۰) و (۲۵۳۸) و (۵۹۹۲).

ترجمه: { تو بر کارهای نیک گذشته ات مسلمان شده ای } . (یعنی : بعد از اسلام آوردن آن کارهای نیک که در حالت کفر انجام داده بودی _ اجر و ثوابش برایت ثابت خواهد شد) .

پس اینست گاهان که بخشیده میشود ، و اینست بدنها که بخوبیها مبدل میشود ، و اینست نیکوئیهای که در جاهلیت (حالت گناه) کرده شده بود _ برای صاحبش بعد از توبه ثبت میشود ، پس چه باقی مانده است ...؟! !



اگر در گناه واقع شوم چه باید کنم ؟

و شاید بگوئی : اگر در معصیت واقع کردیم ، چگونه باز فوراً ازان گناه توبه کنم ؟
آیا در اینجا کدام کاری هست که آنرا بعد از وقوع در گناه فوراً انجام دهم ؟
جواب اینکه : باید بعد از اینکه از گناه باز آمدی دو چیز را انجام دهی :
اول آن کار قلب است ، عبارت از پشیمانی بر گذشته ، وعزم و تصمیم محکم بر آنکه
در آینده بار دیگر بگناه باز نگردد ، و این عمل قلبی نتیجه خوف و ترس از خدای ﷻ
میباشد .

دوم آن کار بدن است ، عبارت از بجا آوردن انواعی از خوبیها که ازان جمله " نماز
توبه" است ، که درین حدیث بیان گردیده :

حضرت ابو بکر رضی الله عنه میفرماید : جناب رسول خدا ﷺ را شنیدم که فرمودند : " ما من
رجل یدنب ذنباً ، ثم یقوم فیتطهر ، ثم یصلی رکعتین ، ثم یتسفر الله إلا غفر الله له " .^(۱)
یعنی : { هیچ کسی نیست که مرتکب گناه میشود ، باز برخاسته طهارت میکند ، سپس
دو رکعت نماز میخواند ، باز از خدا ﷻ برای گناه خود طلب مغفرت میکند _ مگر
اینکه خداوند ﷻ آنکس را می آمرزد } .

بعد ازان رسول کریم ﷺ این آیت مبارکه را بطور دلیل تلاوت نمودند :

﴿ والذین إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن یغفر الذنوب

(۱) روایت اهل سنن . نگاه : صحیح الترغیب والترہیب ۲۸۴/۱ .

إلا الله ولم يبروا على ما فعلوا وهم يعلمون ﴿سورة آل عمران آیت: ۱۳۵﴾.

ترجمه: { وپرهیزکاران کسانی اند که: اگر گناه بزرگی را مرتکب شوند، یا نفسهای خویش را بذریعۀ گناهان خُرد ظلم و ستم کنند - آنگاه یاد کنند خدا را (یعنی: عظمت و بزرگواری او تعالی را بیاد آورند) پس از خداوند ﷻ برای گناهان خویش آمرزش بخواهند، و کیست که پیامرزد گناهان را مگر خدا؟! و بر گناه خود دوام نمیدهند در حالیکه میدانند که خداوند ﷻ توبه پذیر است }.

و در دیگر روایت های صحیحہ صفتهای دیگری برای این دو رکعت نماز - که سبب آمرزش گناهان است - آمده است، خلاصۀ آن روایت ها را قرار ذیل بیان مینمایم:

۱- " ما من أحد يتوضأ فيحسن الوضوء " . یعنی: { هر که وضو کند، پس وضوی خود را بشکل کامل و خوب ادا نماید. - زیرا خطاها از اعضای شسته شده با همراهی آب و یا آخرین قطره آب می ریزد - }^(۱).

و از خوبی و کمال وضو اینست که پیش از شروع در آن " بسم الله " گفته شود، و بعد از انتها اذکار وارد شده را خوانده شود، که آن اذکار قرار ذیل است:

* " أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له ، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله"^(۲)

(معنی: گواهی میدهم که نیست معبود بر حق مگر الله ﷻ که یگنا ولا شریک است، و گواهی میدهم که محمد ﷻ بنده و فرستادۀ او تعالی است)

(۱) این فضیلت در صحیح امام مسلم از حدیث ابو هریره ؓ، کتاب الطهارة باب خروج الخطايا مع الماء برقم (۵۷۶) ثابت است. « مترجم»

(۲) روایت امام مسلم: کتاب الطهارة باب الذكر الممتحب عقب الوضوء. شماره حدیث (۵۵۲ و ۵۵۳). «مترجم»

* " اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين " (۱). (معنی : الهی مرا از توبه کنندگان بگردان ، و نیز از کسانی بگردان که همیشه پاک و پاکیزه اند)

* " سبحانك اللهم ومحمدك أشهد ألا إله إلا أنت أستغفرك وأتوب إليك " (۲).

(معنی : خداوندا ! هآکی ترا بیان میکنم ، و ترا ستایش می نمایم ، گواهی میدهم که بجز تو دیگر معبود برحق نیست ، از تو طلب مغفرت میکنم ، و بسوی تو توبه مینمایم)
و برای هر یک از این اذکار که بعد از وضو گفته میشود اجر بزرگی ثابت شده است .

۲- " یوم فیصلی رکعتین " . یعنی : برخیزد و دو رکعت نماز ادا نماید .

۳- " لا یسهو فیهما " . یعنی : در آن دو رکعت نماز خویش سهو نکند .

۴- " لا یحدّث فیهما نفسه " . یعنی : در آن دو رکعت با نفس خود سخن نگوید .
(به این معنی که در هوش و فکرش هر گونه سخنها رفت و آمد نکند ، صرف در نماز خود فکر کند)

۵- " یحسن فیهن الذکر والخشوع " . یعنی : آن نماز را با ذکر و خشوع خوب و درست ادا نماید .

۶- " ثم استغفر الله " . یعنی : سپس از خداوند آمرزش خواهد .

(هرگاه این اعمال مذکوره را بجا نماید) در نتیجه برایش این دو جایزه بخشیده میشود :
یکی : " غفر له ما تقدم من ذنبه " . همه گناهان گذشته اش آمرزیده می شود .

(۱) روایت امام ترمذی رقم حدیث (۵۵) نگاه صحیح سنن الترمذی رقم (۴۸) . « مترجم » .

(۲) روایت امام نسائی در کتاب « عمل الیوم والليلة » صد ۱۷۳ . نگاه : ارواه الغلیل ۱/۳۵ و ۲/۹۴ . « مترجم » .

دوم : " وجبت له الجنة ". دخول جنت برایش لازم وحتی می گردد (۱). علاوه ازین، از دیگر خوبیها و طاعتها نیز بسیار انجام دادن مطلوب است. نگاه کن حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه را ، هنگامیکه احساس گناه کرد در گهت و گوی خود با جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره صلح حدیبیه _ بعد ازان گهت : " فعلت لذلك أعمالاً ". یعنی : { از برای پاک ساختن گناه خود کارهای نیکی انجام دادم } . ودرین مثال که درین حدیث صحیح وارد شده تأمل نما ، که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند : "لن مثل الذي يعمل السيئات ثم يعمل الحسنات كمثل رجل كانت عليه درع ضيقة قد خنقته، ثم عمل حسنة فاتفكت حلقة ، ثم عمل أخرى فاتفكت الأخرى ، حتى يخرج إلى الأرض" (۲).

یعنی : { مثال کسیکه عمل بد میکند و سپس عمل نیک میکند ، مثال شخصی است که بر تن او یک درع (۳) تنگی بوده ، که از تنگی زیاد آن شخص را خفه ساخته است ، سپس آن شخص یک عمل نیک انجام داد ، به ذریعه آن عمل یکی از حلقه های آن درع واگردید ، باز یک عمل نیک دیگری انجام داد ، توسط آن عمل یک حلقه دیگری ازان حلقه ها واگردید ، و به همین ترتیب ازان درع رها گردیده ، و بر زمین آزاد رفتار نمود } . پس نیکها شخص گنهگار را از زندان معصیت آزاد نموده ، و به عالم طاعت و وسیع میکشد .

و همه امور گذشته را برایت - برادر عزیزم - این قصه عبرتناک ملخص میسازد :

(۱) نگاه : صحیح الترغیب والترهیب ۱/ ۹۴-۹۵ .

(۲) روایت امام طبرانی . نگاه : صحیح الجامع رقم (۲۱۹۲) .

(۳) درع : زره ، جامه جنگ که از حلقه ها یا تکه های آهن درست کنند . نگاه : فرهنگ صید . « مترجم » .

از حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که فرمودند: شخصی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده وگفت: یا رسول الله...! من یک زنی را در یک باغ (تنها) یاقتم، پس با آن زن هرچه توانستم کردم، مگر با او جماع نکردم، او را بوسه کردم، و در آغوش خود گرفتم، و غیر ازین دیگر چیزی نکردم، (و حالا پیش شما آمدم) هر چه میخواهید حکم کنید. جناب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله او را هیچ جوابی نگفت. او پس بیرون رفت.

حضرت عمر رضی الله عنه (که در مجلس حاضر بود) گفت: حقا که او را خداوند صلی الله علیه و آله ستر کرده بود، اگر خود را ستر می نمود خوب میشد.

و در اثنای برآمدن آن شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله او را - هر سو که میرفت - با چشم مبارکشان نگاه میکردند، سپس فرمودند: "ردوه علي". یعنی: آن شخص را پیش من برگردانید. او را بخدمت آنحضرت صلی الله علیه و آله بازگرداندند، جنابشان بر او این آیت مبارکه را تلاوت نمودند: ﴿ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ ﴾ «سوره مود آیت: ۱۱۴». ترجمه: {و بر هر دو طرف روز و ساعتی چند از شب، خوبها واقعا بدهارا محو و پاک میسازند، این فرمان پندی است پند پذیران را}.

حضرت معاذ رضی الله عنه - و در روایتی: حضرت عمر رضی الله عنه - گفت: یا رسول الله! این حکم تنها برای این شخص است؟ یا برای همه مردم؟ فرمودند: بلکه برای همه مردم است. (۱)

(۱) روایت امام مسلم. مترجم میگوید: حدیث مذکور را امام بخاری در صحیح خود بشماره (۵۲۴) و (۴۶۸۷)، و امام مسلم در صحیح خود کتاب توبه باب قوله تعالى: ﴿ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ ﴾، و امام ترمذی در سنن خود به شماره (۳۱۱۳)، و امام ابن ماجه به شماره (۱۲۹۸) و (۴۲۵۴) روایت نمودند، ولی الفاظ ایشان با لفظ مؤلف موافق نیست.

مردمان بد همیشه در دنبال من اند و مرا می رانند

و شاید بگویی : من میخواهم توبه کنم ، ولیکن مردمان بدکاران از همنشینان قدیم همیشه و در هر جا در دنبال من اند و مرا می رانند ، و مجرد اینکه در حالم کدام تغییری را مشاهده نمایند بر من حمله پراکنده و طولانی خواهند کرد ، و من در مقابل آنها احساس کمزوری میکنم ، پس من چه چاره کنم . . ؟!

در جواب میگوئیم : صبر کن ، که اینست سنت خداوند ﷻ در ابتلا و امتحان بندگانش ، تا به ذریعه این ابتلا و امتحان راستگویان را از دروغگویان ظاهر سازد ، و تا پلیدی را از پاکی جدا گرداند .

و مادامیکه قدم خود را در اول راه نهاده ای پس باید محکم باشی ، و این مردم ایشانند شیطانهای جن و انس ، که بایکدیگر در حق تو وسوسه میکنند ، تا تو را بر حال قدیمت و بر معصیت اولت بازگردانند ، پس هرگز ایشان را اطاعت نکن .

البته آنها در بدایت برایت میگویند که : این راه که برای خود اختیار نموده ای یک دیوانگی و سبک عقلی است که زود از تو زایل خواهد شد ، و این یک حالت تنگدلی و ضیقیت است که برایت پیدا شده و پس گم میشود .

و جای تعجب است که یکی ازین مردم برای رفیق خود - که نو در بدایت راه توبه بوده- میگوید: خیریت است ؟! ترا کدام بدی نرسیده باشد ؟!



و نیز از عجایب اینکه: یکی از زنان که با یک جوان از طریق تلفون علاقه یافته بود، باز بعد از چند مدت خداوند آن جوان را هدایت داده، و او راه توبه را اختیار نمود. آن زن به او تلفون کرد، و او تلفون را در روی وی بند نمود؛ زیرا او توبه نموده و دیگر ازین زیادتر گناه نمی خواهد، آن زن بعد از مدتی بار دیگر به او تلفون کرده و گفت: شاید حالا وسواس از تو دور شده باشد...!! (توبه را وسواس مینامد...!!)

و خداوند ﷺ میفرماید که: ﴿ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يَرْمِي فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴾

ترجمه: { بگو پناه میگیرم به پروردگار مردمان. پادشاه مردمان. معبود برحق مردمان. از شر ویدی و سوسه کننده (در هنگام غفلت) دور شوینده (در هنگام ذکر خداوند). آنکه و سوسه می افکند در سینه های مردمان. از شیطانهای جن و انس }.

پس (برادر مسلمانم) کی لایق اطاعت تو است؟ پروردگارت یا همنشینانت؟
و باید خوب بدانی که رفیقان و همنشینان بد همیشه و در هر جا که باشی در پی و طلب تو میباشند، سعی و کوشش میکنند تا ترا بسوی راه گمراهی و تباهی به هر وسیله ای که ممکن است بازگردانند.

یک جوان بعد از توبه کردنش برایم قصه میکند که او قبلاً با یک دختر بد علاقه داشته، و بعد از اینکه توبه نموده هرسو که میرفت آن دختر موتروان خود را امر میکرد که از دنبال او برود، حتی هنگام مسجد رفتن از پی او با موتر خود رفته، و با او از کلکین موتر سخن میزد. البته در چنین حالات ﴿ یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیة و فی

الْآخِرَةَ ﴿ «سورة ابراهيم آیت : ۲۷» ترجمه : { ثابت میگرددند خدا آنانی را که ایمان آوردند بگفتن سخن درست در زندگانی دنیا و در آخرت } .

این مردمان بد کوشش می نمایند که ترا به روزهای گذشته ات یاد آور سازند، و گاهان سابقه را برایت مزین و آراسته سازند، به هر طریقه ای که ممکن است ، بطریقه یاد آوری .. بطریقه عذر و زاری .. بطریقه عکس ها .. بطریقه خطها و نامه ها .

پس هرگز آنها را اطاعت نکن ، و با حذر باش که ترا گمراه نکنند ، و درینجا در یاد داشته باش قصه صحابی جلیل حضرت کعب بن مالک رضی الله عنه را ، هنگامیکه رسول کریم صلی الله علیه و آله همه صحابه را امر فرمود که با حضرت کعب علاقه خویش را قطع کنند ، زیرا او از غزوة تبوک تخلف نموده ، تا خداوند توبه او را قبول فرموده ، و در شأن او آیت نازل کند ، (و این مقاطعة تا پنجاه روز ادامه داد ، و حضرت کعب رضی الله عنه بسبب آن بسیار بتنگ آمدند ، تا اندازه ای که زمین با پهناوریش برای وی تنگ شد) درین حالت بود که پادشاه "غسان" بعنوان او یک نامه ای فرستاده و دران نامه چنین عرض نموده که : اما بعد .. برای ما خبر رسیده که یار تو (محمد صلی الله علیه و آله) به توجهاً نموده است ، و خداوند ترا خوار نگذاشته و ضایع نخواهد کرد ، پس به پیش ما بیا ، ما ترا کمک کرده و از تو قدردانی خواهیم کرد .

این پادشاه کافر میخواست که این بنده مومن را بطرف خود جلب نماید ، (و بیان چنین سخنان شیرین او را دلجویی کند) ، تا از مدینه (سر زمین اسلام) بر آمده ، و به سر زمین کفر رفته ضایع گردد .

موقف این صحابی جلیل ازین نامه چه بود ؟

حضرت كعب ؓ ميفرمايد : چون نامه را خواندم با خود گفتم : اين نيز از ابتلا و امتحان است ، (خداوند مرا آزيمايش ميكند كه آيا در توبه خود راست و محكم ياني ؟) پس آن نامه را گرفته قصد تنور شدم ، و او را در تنور انداخته سوزانيدم .

پس تو نيز - اي بنده مسلمان ! مرد باشي يا زن - بايد چنين نمائي ، هر نامه اي كه براي از طرف اهل سوء فرستاده ميشود ، آنرا گرفته (بلب تنور برده) بسوزانش ، تا كه خاكستر گردد ، و هنگامي كه او را مي سوزاندي آتش دوزخ را در ياد داشته باش ، (كه اگر تو امروز آن نامه را نسوزاني ، شايد فردا روز قيامت خودت بسبب آن در آتش دوزخ بسوزي) ﴿ فاصبر لئن وعد الله حق ولا يستخفك الذين لا يوقنون ﴾ «سوره روم آيت اخير» .
ترجمه : { پس صبر كن بر اذيت ايشان ، يقين دار كه وعده خداوند حق است ، و سبكسار^(۱) نكنند ترا كساني كه يقين نمي آورند } .

(۱) سبكسار : سبك سر ، سبك عقل ، كم خرد . « مترجم » .

آنها مرا تهدید میکنند

و شاید بگوئی : من می‌خواهم توبه کنم ، ولیکن یاران و رفیقان پیشینم مرا تهدید میکنند ، مرا می‌ترسانند ، می‌گویند که فضاخ ، عیبا ، و رسوائی هایت را میان مردم اعلان میکنیم ، اسرار و کارهای پنهانت را برای همه افشا می‌نمایم . نزد آنها عکس‌ها و وثیقه‌ها وجود دارد ، من از افشا نمودن آن بر سمعت و آبرویم خوار می‌خورم ... !!
من می‌ترسم ... !!

در جواب می‌گوئیم : با دوستان و فرمانبرداران شیطان جهاد کن ، و ازیشان نه ترس ، که مکر و حیله شیطان سست و بی‌قوت است ، و این تنگی‌ری و فشار آوری مددکاران ابلیس است ، که همه یکجا شده بر تو فشار می‌آورند ، باز مدت اندکی را دربر ناگرفته بزودی - پیش صبر مومن و ثبات و محکم بودن او - تبت و هاشان می‌گردند .

و بدان که هرگاه سخن آنها را باور نمودی ، و با آنها سستی‌ری کردی ، بر سرت زیادتر اثباتها خواهند گرفت ، پس اول و آخر خودت خسارت می‌بینی ، ولیکن ایشان را اطاعت نکن ، و بر علیه شان از خداوند کمک و یاری خواه ، و بگو : " حسبی الله و نعم الوکیل " (۱) و جناب پیغامبر خدا ﷺ هرگاه از کدام قومی خوار می‌خورند این دعا را می‌گفتند : " اللهم إنا نجعلك في محورهم ، ونعوذ بك من شرورهم " (۲) .

یعنی : { خدایا ! ما ترا در برابر دشمنان خویش قرار می‌دهیم ، و از شرارت و بدی‌های

(۱) معنی : پس است مرا خدا یاری دهنده و کفایت کننده ، و خدایم چه خوب کار گذار است . « مترجم » .

(۲) روایت امام احمد و ابو داود . نگاه : مسیح الجامع رقم (۴۵۸۲) .

آنها به توبه می بریم } .

درست است که موقف بسیار سخت است ، و آن زنی بیچاره ای که توبه نموده یار بدش به او تلفیون کرده و او را تهدید نموده برایش میگوید : آوازا و سخنانت را ثبت نموده ام ، ویزدم عکسهایت وجود دارد، وهرگاه با من برآمدن را قبول نکنی ترا پیش اهل وفامیلت رسوا می سازم !!

درست است که این زنی بیچاره در موقعی قرار دارد که کسی او را برآن موقف حسد نکند !^(۱)

و نگاه کن بسوی مردان و زنان بیت و غزل خوانان و ممثلین و ممثلاتی که توبه کرده اند ، بین که پروان شیطان با آنها چگونه جنگ ها میکنند ؟ بدترین پتیا و فیلمهای ایشان را در بازارها پائین میسازند (برای چه ؟) برای فشارآوری ، و حرب نفسی با ایشان .

ولیکن خداوند با متقیان و با توبه کنندگان است ، و او است دوست و کارساز مومنان، و ایشان را هرگز بی کمک و بی نصرت نمیگذارد ، و از یاری دادن ایشان دست بر نمی دارد، و هیچ بنده ای نیست که بچداوند ﷻ پناه برده باشد، باز نا امید شده باشد ، و بدان که با هر سختی آسانی است ، و بعد از هر تنگی گشادگی است .

و بخدمت تو - برادر توبه گذارم - این قصه مؤثر را بچیت نمونه و دلیل روشن بر آنچه یاد نمودم تقدیم میدارم :

(۱) لیکن باید دانست که بغیر از توبه کردن کدام راه خلاص نیست ، و به فشار آوری ایشان من ماعتن تباهی دنیا و آخرت را در پی دارد ، و هرگاه خداوند ﷻ از بنده اش عزم محکم و توبه راستین را بداند حتماً او را ننگه میدارد ، و از او دفاع میکند ﴿ این الله یدافع عن الذین آمنوا ﴾ ، و عیبهای او را ستر میکند ، و کدام دشمن خدا میتواند که پرده ویرا برداند ؟ . « مترجم » .

آن قصه، قصه صحابی جلیل مرثد بن ابی مرثد غدوی است، آن مرد فداکار که مسلمانان ضعیفان و بیچارگان را از مکه مکرمه بمدینه منوره بطور پنهان می گریزاند .

و در مکه مکرمه یک زن بغی^(۱) بود که او را "عناق" می نامیدند ، (پیش از اسلام) آن زن با مرثد یار و رفیق بوده ، روزی مرثد کسی را وعده داده بود که او را از مکه مکرمه گریزانیده بمدینه منوره می برد . حضرت مرثد میگوید : پس بکه آمدم ، تا که به سایه یک دیواری از دیوارهای مکه رسیدم ، در شب مهتاب روشن ، بود که "عناق" در آنجا پیدا شد ، و سیاهی سایه ام را در پر دیوار دید ، و هنگامیکه بمن نزدیک شد مرا شناخت ، و گفت : تو مرثدی ؟ . گفتم : بلی مرثدم . گفت : خوش آمدی ، در جای خودت آمدی ، بفرما امشب جای ما خواب کن . گفتم : ای عناق! خداوند ﷻ زنا را حرام گردانیده است . چون این سخن را از من شنید فریاد کرد: ای باشندگان خیمه ها اینست آن مردی که اسیران شمارا هر دم می گریزند . ! همین بود که هشت نفر ازیشان در طلب من برآمدند ، من ازیشان فرار نموده ، و خود را در کوه "خندمه" ^(۲) زدم ، و در یک غار و یا کهنی دران کوه درآمده پناه گرفتم، آنها از پی من آمده، و بمن خیلی نزدیک شدند، اندازه ای که بر بالای سرم ایستاد شدند ، ولی خداوند ﷻ چشمان شان را کور ساخت، پس مرا ندیدند ، و از آنجا بازگشتند ، و من به پیش آن مرد که با او وعده دار بودم بازگشتم، و او را بار کرده گریزانیدم، و او یک انسان خیلی گران و وزین بوده ، تا به یک منطقه ای رسیدیم که "اذخر" نام داشته ، آنجا قیدها و زنجیرهای او را وا نمودم ، و بار دیگر او را

(۱) بغی: زانیه ، فاحشه . « مترجم » .

(۲) خندمه: کوه معروفی است در کنار یکی از راه های دخول مکه مکرمه .

از آنجا برداشته تا مدینه منوره آوردم ، و مرا تا آنجا خیلی مانده ساخت .
 پس از رسیدن بخدمت رسول الله ﷺ آمده و برایش گفتم : یا رسول الله ! آیا " عناق " را به نکاح بگیرم؟ سوال خود را دو بار تکرار نمودم ، ولی پیغامبر خدا ﷺ در هر دو بار سکوت را اختیار نمودند ، و هیچ جواب را ندادند ، تا این آیت مبارکه نازل گردید:
«الزانی لا ینکح إلا زانیة أو مشرکة ، والزانیة لا ینکحها إلا زان أو مشرک»^(۱) وحریم ذلك علی المؤمنین» «سورة نور آیت: ۳»

ترجمه : { مرد زنا کار نکاح نمیکند مگر زن زنا کار و یا مشرک را ، و زن زنا کار را بنکاح نمی گیرد مگر مرد زنا کار و یا مشرک ، و این کار بر مومنان حرام گردانیده شده } .
 پس پیغامبر خدا ﷺ برابم فرمودند: ای مرشد ! مرد زنا کار نکاح نمیکند مگر زن زنا کار و یا مشرک را ، و زن زنا کار را بنکاح نمی گیرد مگر مرد زنا کار و یا مشرک ؛ ازین نگاه تو آن زن را بنکاح نکیر .^(۲)

آیا دیدی که خداوند ﷻ چگونه از مومنان دفاع میکند ؟ و چگونه با بندگان نیکوکارانش میبازد ؟

و اگر قضیه را بر بدترین احتمالاتش بگیریم ، و بگوئیم که آنچه از او می ترسیدی واقع شد ، بعض عیبها و یا بدیها و یا کارهای پنهان تو را آنها برای مردم اعلان و افشا کردند ، و قضیه بتوضیح کردن احتیاج داشت _ پس (هیچ قصی ندارد ، به دهن پر و صراحت

(۱) آیت را تا اینجا ذکر نموده ، ولی من آنرا از برای اتمام معنی تا آخر یاد نمودم . « مترجم » .

(۲) نگاه : صحیح سنن الترمذی ۸۰۴ .

کامل) موقف خود را برای دیگران بیان نما ، و بگو : بلی .. من قبلاً گمگار بودم ، و بعداً بسوی خداوند توبه نمودم ، پس شما چه میخواهید؟! (۱)

و باید همه ما بدانیم که رسوائی بزرگ و حقیقی آن رسوائی است که در روز قیامت پیش خداوند جلجل میآید ، آن روز رسوائی بزرگ نه پیش صد یا دو صد نفر ، و نه پیش یک هزار و یا دو هزار نفر ، بلکه در حضور گمراهان ، پیش همه خلایق ، از ملائکه و جن و انس ، شروع از آدم علیه السلام تا آخرین کسیکه درین دنیا زندگی کرده است _ میباشد .

بیا دعای ابراهیم علیه السلام را بشنو که چه میگوید : ﴿ ولا تخزني يوم يعثرون * يوم لا ينفع مال ولا بنون * إلا من أتى الله بقلب سليم ﴾ «سوره شعراء آیت : ۸۷-۸۹»

ترجمه : { خدایا ! مرا رسوا نکن در روزیکه مردمان از قبرهای خویش کشیده میشوند . روزیکه دران نه مال و نه فرزندان سود و فایده رسانند . مگر کسی را که پیش پروردگار خود بدل سالم از گناه بیاید } .

و در وقتهای سختی و مشکلات و ترس از رسوائی _ خود را بدعاهای نبوی تحصین کن ، و بگو :

• " اللهم استر عوراتنا ، و آمن روعاتنا " ترجمه : { خدایا ! عورتها و عیب هایم را ستر نما ، و ترس و لرزم را آرام ساز } .

(۱) و ترا درین کار پیروی نیک است به موسی علیه السلام هنگامیکه فرعون برایش گفت : ﴿ و فطنت فطنتك التي فطنت وانت من الكافرين ﴾ ترجمه : (و آن کردی خود را انجام داده ای و تو از نا سببانی). فرعون میخواهد که حضرت موسی علیه السلام را بر گناه گذشته اش - که مرد قبطی را بقتل رسانیده بود - ملامت و سرزنش کند ، ولی موسی علیه السلام بدون پر و وسراحت کامل و ثبات مومن برایش گفت : ﴿ فطنتها إنا وانا من الضالين * ففرت منكم لما خفتكم فوهب لي ربي حكماً وجعلني من المرسلين ﴾ ترجمه : (بلی من آن کردی خود را آنگاه انجام داده بودم ، و من از گمراهان بودم . بعد از آن ترس از عقوبت شما فرار نمودم ، پس پروردگارم مرا عظم و حکمت بخشید و مرا از پیغمبران خود گردانید). « مترجم » .

- " اللهم اجعل ثأرتنا على من ظلمنا ، وانصرتنا على من بنى علينا " ترجمه : {خداوندا ! برای ما از کسانی که ما را ظلم کرده اند انتقام گیر، و ما را بر کسانی که سر ما بغاوت و سرکشی کرده اند نصرت ده } .
- " اللهم لا تشمت بنا الأعداء ولا الحاسدين " ترجمه : {خدا یا ! دشمنان و حاسدان را - بسبب اهانت و رسوائی ما - شادمان نگردان } .



گناهان زندگانی ام را تلخ و ناخوش ساخته است

و شاید بگوئی: من گناهان زیاد و کوناگونی را مرتکب شده بودم، و حالا بسوی پروردگارم توبه نمودم، ولیکن باز هم درد آن گناهان بی مرا نگذاشته است، و هرگاه کارهای گذشته خویش را یاد کنم بر من زندگانی ام را تلخ میسازد، و خوابگاهم را نا آرام، و شبم را بی خواب، و راحتم را دور میسازد، پس راه راحت و آرام شدنم چیست؟

برایت میگویم: ای برادر مسلمان! این احساسها نشانه های توبه راست و درست است، و این عین ندامت و پشیمانی است، و پشیمانی از گناهان گذشته در ذات خود توبه است، پس بسوی گناهان گذشته خود بچشم امید نگاه کن، امید آنکه خداوند رحیم آن گناهان را بپامرد، و از رحمت و وسیع خداوند ﷺ نا امید نباش، که خدای تعالی میفرماید: ﴿وَمَنْ يَنْتَظِرْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ﴾ «سوره حجر آیت ۵۶».

ترجمه: { و کیست که نا امید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان }.

و حضرت ابن مسعود رضی الله عنه میفرماید: بزرگترین گناهان بزرگ عبارت اند از: شرک آوری با خداوند ﷻ، و در امان بودن از مکر خداوند ﷻ^(۱)، و نا امید بودن از رحمت خداوند ﷻ، و در روزگار عسرت و تنگی از کمک و یاری خداوند مایوس شدن^(۲).

و بنده مومن باید همیشه میان ترس و امید بسوی الله ﷻ راه برود، و گاه در بعض اوقات یکی از این دو حالت را بر دیگر - نظر بجاجت انسان - غالب تر گردانیده میشود، پس

(۱) یعنی: ناگاه گرفتن خداوند ﷻ مر بنده خود را. « مترجم ».

(۲) این اثر را امام عبد الرزاق روایت نموده، و امام هینمی و امام ابن کثیر هر دو اسناد آن را صحیح شمرده اند.

هنگامیکه در گناه واقع میشود جانب خوف و ترس را غالب تر بسازد؛ تا او را باعث شود که توبه کند ، و چون توبه کرد جانب رجا و امید را غالب تر ساخته ، و از خداوند عفو و بخشش بخواهد .



آیا بر من لازم است که اعتراف کنم؟!

پرسنده ای با آواز غمگین و اندوهناک پرسیده میگوید: من میخواهم توبه کنم ، ولیکن آیا بر من لازم است که رفته و آنچه گناه کرده ام اعتراف و اقرار کنم؟!

آیا از شروط قبول توبه همین است که پیش قاضی حکمه رفته به همه گناهای که مرتکب بودم اقرار کنم؟!

واز او بخواهم که بر من عقوبت و جزای شرعی را تطبیق نماید؟!

وقصه هایکه بیشتر خواننده ام در باره توبه کردن ماعز وزن غامدیه و مردی که زنی را در باغی بوسه نموده بود _ این همه قصه ها چه معنی دارد؟!

در جواب برایت میگویم: برادر مسلمانم .. اتصال و پیوستگی بنده به پروردگار خود ، بدون اینکه میان خویش و میان پروردگارش کدام کسی را وسیط و یا میانجی گرداند _ یکی از بزرگترین مزایای دین اسلام است ، دین یکتا پرستی که خدای تعالی آن را برای ما پسندیده و انتخاب نموده است ، ارشاد خداوندی است: ﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ﴾ «سوره بقره آیت: ۱۸۶» .

ترجمه: {و چون ترا - ای پیامبر ﷺ - بندگانت از صفت من ، و یا از معامله من با ایشان در وقت دعا کردن بپرسند ، پس برایشان بگو که من به ایشان نزدیکم ، دعای دعا کننده را وقتیکه مرا دعا میکند می شنوم و قبول میکنم } .

و اگر ما حقا بر این ایمان باشیم که توبه پذیرفتن از آن خدا است ، پس اعتراف نمودن نیز پیش او تعالی است ، و در دعای " سید الاستغفار " این جمله مذکور است که : " أبوء لك بنعمتك علي ، وأبوء بذنبي ". یعنی : بنعمتهای گوناگونت قایلیم ، و بگناهان خود اقرارم . و ما مسلمانان - الحمد لله - مثل مردم نصاری نیستیم که در توبه خویش محتاج قسیسی^(۱) باشیم ، و یا چوکی اعتراف ، و قبالة غفران ، تا با آخر ارکان ریشخندیها و مسخره بازی آنها _ محتاج هیچ یکی ازین گونه خرافات نیستیم ، بلکه الله تعالی میفرماید :

﴿ أَمْ يَلْمُوا أَنْ اللَّهُ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ ﴾ «سورة توبه آیت: ۱۰۴» .

ترجمه : { آیا ندانسته اند که الله ﷻ آن ذات اقدس است که توبه را از بندگان خویش قبول میفرماید } . یعنی : توبه را از بندگان خود مستقیماً بدون هیچ گونه وسیط می پذیرد .

اما در باره تطبیق نمودن حدود (عقوبتهای شرعی^(۲)) پس اگر قضیه به امام مسلمین و یا حاکم منطقه و یا قاضی محکمه نه رسیده باشد _ هرگز لازم نیست که بنده گناهکار پیش ایشان رفته اقرار کند ؛ زیرا هر که را الله ﷻ ستر کرده باشد باکی ندارد که او نیز خود را ستر کند ، و برایش کافی است که در بین خود و بین الله ﷻ توبه کند .

و یکی از نامهای باری تعالی " السّیر " است ، بمعنای : سترکننده ، و او تعالی دوست دارد که بر بندگان خود ستر کند .

(۱) قصیبس : پیر ، سرکلان ، پیشوا ، مرد معتبر و دانا نزد مردم نصاری است .
 کتبیبه : برخی از مردم بر این باور اند که شخص تلبیب باید پیش آن کسی که خود را " پیر " و یا " مرشد " می نامد ، رفته دست پیر نماید ، ورنه توبه او قبول نخواهد بود . البته این گمان آنها باطل و بی اساس میباشد . « مترجم » .
 (۲) مثل : کشتن قاتل ، سنگسار کردن زانی ، دست بردن نزد ، و غیره . « مترجم » .

اما آن صحابه کرام (که پیش رسول الله ﷺ آمده ، و به گناه خویش اعتراف نمودند ، و از آنحضرت ﷺ خواستند که ایشان را توسط تطبیق نمودن عقوبات شرعی ازان گناهان پاک سازد) همچون : ماعز ، وزن غامدیه که هریک زنا کرده بودند ، و مردی که زنی را در باغی از باغها بوسه نموده بود _ پس ایشان ﷺ کاری کردند که بر ایشان واجب و لازم نبود، بلکه آن کار از حرص زیاد ایشان بود برای پاک ساختن نفسهای خویش ؛ بدلیل اینکه: هنگام که حضرت ماعز ﷺ و همچنان آن زنی غامدیه - رضی الله عنها - نزد رسول الله ﷺ آمده ، و اعتراف نمودند _ در ابتدا آنحضرت ﷺ از ایشان اعراض نمود ، (تا باز گردیده، خود را ستر نموده ، و توبه نمایند) ، و به همین صورت گفت حضرت عمر ﷺ برای آن مردی که زنی را بوسه کرده بود: " حقا که او را خداوند ﷻ ستر کرده بود ، اگر خود را ستر می نمود خوب میشد ". و پیغامبر خدا ﷺ سخن وی را اقرار نمودند .

بنابر این - مادامیکه الله ﷻ او را ستر و پرده کرده است - بر او لازم نیست که به محکمه رفته و اعترافهای خود را بصورت رسمی ثبت کند . و همچنان لازم نیست که پیش امام مسجدی رفته و از او بخواهد که حدّ خداوند ﷻ را بر وی تطبیق سازد ، و یا اینکه به یکی از رفیقان خود کمک خواهد تا او را در داخل خانه درّه زند ، چنانچه در ذهن های بعضی وارد میگردد .

وقتیکه سخن گذشته را دانستی برایت موقف بد و زشت بعض جاها لایق نسبت به بعض توبه کنندگان در مثل این قصه هویدا میگردد ، که خلاصه آن را ذکر می نمایم :

شخص گناهکاری پیش یک امام مسجد - که جاهل بوده - رفته ، و برای او همه گناهان خود را عرض نموده ، و از او راه حل را پرسید . آن امام جاهل در جواب برایش گفت : نخست از همه باید به محکمه بروی ، و آنجا همه اقرار های خود را شرعاً تصدیق و ثبت نمائی ، و بر تو عقوبتهای شرعی که لازم است تطبیق کرده شود ، بعد ازان در باره توبه ات دیده میشود . چون آن شخص بیچاره دید که برداشت این چنین سخن را ندارد - از راه توبه برگشت ، و در گناه خود ادامه نمود .

و من این فرصت را غنیمت دانسته در باره یک مسأله ای بسیار مهم تعلیق نموده میگویم: ای مسلمانان . . ! یقیناً دانستن احکام دین امانت است ، و آن احکام را از مصادر صحیح و درستش طلب نمودن هم امانت است ، الله تعالی میفرماید : ﴿ فاسألوا أهل الذکر لئن کتمت لا تعلمون ﴾ «سوره نحل آیت: ۴۵»

ترجمه: { اگر چیزی را نمیدانستید از اهل علم پرسید } .

و در آیت دیگری میفرماید: ﴿ الرحمن فاسأل به خیراً ﴾ «سوره فرقان آیت: ۵۹»

ترجمه: { الله ﷻ نهایت بخشاینده است ، پس پرس از حال او دانای را } .

پس هر واعظی لایق این نیست که مردم را قنوی دهد ، و هر امام مسجد و یا مؤذن اهلیت این را ندارد که مردم را در خصوص مشکلاتی که برای ایشان پیش می آید - طبق احکام شریعت خبر دهد . و این چنین هر ادیب و یا قصه گوی نمیتواند که فتوای علمای را بطور درست برای مردم نقل نماید .

و بنده مسلمان ازین چیز مسئول است که از کدام کس باید قنوا گرفت ؟ زیرا الله تعالی ما را به این چیز متعبّد ساخته است .

و پیغمبر ما ﷺ راجع به امت خود از دانشمندان و پیشوایان گمراه کنندگان ترسیده است .

یکی از سلف صالح^(۱) میفرماید : این علم که شما یاد میگیرید در حقیقت دین شما است ، پس شما بدرستی بسنجید که دین خود را از کدام کس یاد میگیرید ؟ .

پس آگاه باشید - ای بندگان خدا - ازین گونه لغزشها ، و علمای واقعی را شناخته ، و از ایشان در باره اموری که بر شما اشکال وارد میشود پرسید .

و خداوند یگانه کسی است که از او کمک خواسته میشود .

(۱) سلف صالح : گذشته گان نیک از صحابه کرام ، و تابعین ایشان ، و علمای اسلام اند . « مترجم »

تو‌های مهم برای توبه کنندگان

و شاید بگویی : من می‌خواهم توبه کنم ، ولیکن احکام توبه کردن را نمی‌دانم ، و در باره درست شدن توبه از بعضی گناهان ، و کیفیت بجا آوردن حقوق خداوند که در آن تقصیر و کوتاهی نمودم ، و طریقه بازگرداندن حقوق مردم که از ایشان گرفته بودم ، در باره این مسائل در ذهن من سؤالیهای زیادی وارد میشود ، پس آیا بر این سؤالا جوابی خواهم یافت ؟ اینک برای تو - ای رجوع کننده بسوی خدا ﷻ - در زمینه این چند سوال و جواب را تقدیم میدارم ، امید است که در آن سوختِ دلت را دواء باشد .

=====

س ۱- من در گناه واقع می‌گردم سپس توبه می‌کنم ، باز نفس بدکاره ام بر من غالب گردیده بار دیگر به گناه باز می‌گردم ، آیا توبه اولم باطل میشود ؟ و جرم گناه اول و ما بعدش بر من باقی میماند ؟

ج ۱- اکثر علما بر آنند که در صحت توبه این چیز شرط نیست که بار دیگر به گناه باز نگردد .

صحت توبه متوقف بر چند چیز است : دست برداشتن از گناه ، ندامت و پشیمانی از ارتکاب آن گناه ، و عزم محکم که در آینده به آن گناه باز نگردد .

بعد از این امور اگر بار دیگر بآن گناه باز گردد آنوقت مانند کسی میباشد که گناه نو کرده است ، و بر او لازم است که ازین گناه نو توبه نو کند ، و توبه اول او درست میباشد .

=====

ص ۲- اگر من در چند گناه واقع باشم ، از یکی آن توبه کنم ، در حالیکه بر گناه دیگری دوام دارم ، آیا توبه ام - از گناه اول - درست میباشد ؟

ج ۲- (آری) توبه انسان از یک گناه - هرچند که بر گناه دیگری پایند باشد - درست میگردد ، بشرطیکه از نوع گناه اول نباشد ، و با او تعلق هم نداشته باشد .

مثلاً : اگر از سود خوری توبه کند ، در حالیکه از شراب نوشی توبه نه کرده است ، پس توبه او از سود خوری درست میباشد ^(۱) ، و عکس این نیز درست میباشد ^(۲) .

اما اگر - مثلاً - از یک نوع سود خوری توبه کند - ربای فضل - و بر نوع دیگری ازان - ربای نسیئه - پایند باشد ، درین حالت توبه اش درست نمی باشد ^(۳) .

و به همین ترتیب اگر از چرم زدن توبه کند ، ولی بر شراب نوشی ادامه ورزد ، و یا عکس این کار کند .

و همچنان اگر از زنا با یک زنی توبه کند ، در حالیکه بر زنا با زنی دیگری پایند باشد . این چنین اشخاص را توبه شان درست نمی باشد ؛ منتهی کاریکه ایشان انجام داده اند این است که : آنها از یک نوع گناه به نوع دیگری ازان گناه انتقال نمودند . ^(۴)

=====

(۱) زیرا سود خوری نه از نوع شراب نوشی است و نه بلو تعلق دارد . « مترجم » .
 (۲) یعنی : اگر از شراب نوشی توبه کند ، در حالیکه از سود خوری توبه نه کرده است ، توبه او از شراب نوشی درست میباشد . « مترجم » .

(۳) ربای فضل و ربای نسیئه دو نوع از سود خوری است . « مترجم » .
 (۴) درین باره بکتاب " مدارج السالکین " رجوع کرده شود .

من ۳- من در عمر گذشته ام بعض حقوق خداوند ﷻ را ترک نمودم ، از قبیل : نمازهای که ادا نه نمودم ، و روزه ای که نگرفته بودم ، وزکاتی که منع نموده بودم ، پس حالا من چه باید کم ؟

ج۳- صحیح ترین اقوال در باره تارک نماز این است که : بر وی نمازهای ترک شده را قضا خواندن لازم نیست ؛ بسبب آن که وقفای آن نمازها فوت شده است ، و آن را دریافتن ممکن نیست ، و از عوض آن بسیار توبه ، و استغفار ، و نقل خوانی کند ؛ تا باشد که خداوند او را عفو کند .

اما تارک روزه اگر هنگام روزه ترک کردش مسلمان بوده باشد پس بروی قضا گرفتن آن روزها واجب است ، و اگر روزه قضائی را از یک رمضان تا دیگر رمضان بدون کدام عذری تاخیر کرده باشد درین حالت بر وی کفاره دادن نیز لازم است ، و او عبارت ازینکه با هر روزیکه قضا میگیرد یک مسکین را نیز طعام دهد ، و این کفاره تاخیر نمودن قضای رمضان تا داخل گردیدن رمضان دیگر است^(۱) ، و او یک کفاره است ، و بسبب تعدد سالها دوچند نمیگردد، باین معنی که اگر روزه قضایی را چند سالها هم تاخیر کرده باشد، فقط یک کفاره میدهد .

مثال : شخصی سه روز روزه رمضان را از سال ۱۴۰۰ هـ ، و پنج روز روزه رمضان را از سال ۱۴۰۱ هـ از روی ناپرواوی روزه نگرفته است ، و بعد از چند سالها بسوی خدا

(۱) در باره کفاره تاخیر قضای یک رمضان تا داخل شدن رمضان دیگر یک حدیث مرفوع آمده نزد دارقطنی ۱۹۷/۲ و بیهقی ۲۵۳/۴ مگر اسدقاض ضعیف است ، و از حضرت ابن عباس رضی الله عنهما نزد بیهقی ۲۵۳/۴ و حضرت ابو هریره نزد دارقطنی ۱۹۶/۲ ثابت شده که هر دو به همین رای بودند . و به این قول هر یک : امام مالک و امام شافعی و امام احمد گرفته اند ، و نزد امام ابو حنیفه تنها قضا گرفتن لازم است و کفاره لازم نیست . و الله تعالی اعلم . « مترجم » .

رجوع نموده توبه کرد ، بر این شخص لازم است که آن هشت روز را قضائی روزه بگیرد ، و هشت مسکین را در عوض تأخیر نمودن قضای آن طعام دهد .

مثال دیگری : دختری در سال ۱۴۰۰ هـ به بلوغ رسید ، و شرم کرد که خانواده اش را از حال خود خبر دهد ، پس هشت روز را که عادت ماهانه او بوده روزه گرفت^(۱)، و آن روزها را دوباره قضا نگرفت ، و حالا - بعد از چند سال - توبه کرده است ، پس بر این زن نیز هشت روز روزه قضا گرفتن ، با هشت مسکین طعام دادن لازم است .

و باید دانست که بین ترک نماز و ترک روزه (از ناحیه حکم شرعی) فرق است ، و علما - رحمت الله علیهم - آن فرق را در کتابهای خویش ذکر نموده اند ، بعضی از علما بر این رأی اند که : کسی که قصداً بدون کدام عذری روزه نگیرد بر وی روزه قضایی نمی باشد^(۲) .

اما کسی که زکات را ادا نکرده است پس بر وی واجب است که آن را کشیده ، و به مستحقانش بدهد ؛ زیرا زکات از یک جهت حق خداوند است ، و از جهت دیگری حق فقیر است^(۳) .

=====

س ۴- اگر در حق کسی از آدمیان بدی کرده باشد ، پس توبه او چگونه میباشد ؟

(۱) برای زن جایز نیست که در حالت خون ماهانه دین روزه بگیرد ، و اگر روزه بگیرد روزه اش درست نمی باشد . « مترجم » .

(۲) یعنی : از روی عقوبت نه از روی تخفیف ، باین معنی که اگر هر چند از عوض آن روز روزه بگیرد باز هم حق آن را قضا کرده نمی تواند ، و درین باره یک حدیث روایت شده ولی آن حدیث از ناحیه اسناد ضعیف است ، و جمهور علماء به شمول ائمه اربعه بر قول اول اند ، یعنی باید قضا بگیرد . « مترجم » .

(۳) برای شرح زیاتر بکتاب " مدارج السالکین " ۲۸۲/۱ ، رجوع کرده شود .

ج۴- اصل و بنیاد این مسأله درین حدیث شریف بیان گردیده است: "من کانت لأخیه عدیه مظلّمه من عرض أو مال ، فلیتحلله الیوم قبل أن یؤخذ منه یوم لا دینار ولا درهم ، فإن کان له عمل صالح أخذ منه بقدر مظلّمته ، وإن لم یکن له عمل أخذ من سیئات صاحبه فجعلت علیه" (۱).

ترجمه: { هر که بر ذمه وی از برادرش کدام مظلومه ای (۲) از قبیل مال و یا عرض (۳) باشد، باید امروز از حق آن شخص کردن خود را خلاص سازد، پیش ازینکه حق وی را از او در روزی گرفته شود که نه دیناری دران روز باشد و نه درمی، پس اگر او را عمل نیک باشد، ازان عمل گرفته و برای شخص مظلوم باندازه حقتش داده می شود، و اگر عمل نیک نداشته باشد از گناهان شخص مظلوم گرفته و بر ذمه او گذاشته می شود. }

پس بنده توبه گذار باید کردن خود را ازین گونه مظلومه ها در دنیا خلاص سازد، یا آنرا به اصحابش بازگرداند، و یا ازیشان بخشش بخواهد، اگر او را بخشیدند خوب و گرنه باید حقشان را بدهد.

س۵- در غیبت بعض مردم واقع شدم، و بعض دیگری را به چیزهای تهمت نمودم که آنها ازان پاک اند، آیا بر من لازم است که ایشان را بآنچه گفته ام خبر دهم، و ازیشان بخشش بخواهم؟ و اگر لازم نباشد پس چه قسم باید توبه کنم؟

ج۵- این مسأله اعتماد بر فهمیدن اندازه مصلحت و مفسدت دارد، پس اگر ایشان را بآنچه غیبت نموده و یا تهمت زده است خبر دهد _ آنها بر او غضب نمی شده باشند،

(۱) روایت امام بخاری.

(۲) مظلّمه: آنچه بظلم و ستم از کسی گرفته می شود، و یا ظلم و ستم که بر کسی کرده می شود. « مترجم ».

(۳) عرض: ناموس و آبروی انسان. « مترجم ».

و این کار باعث کینه و بدبینی و دشمنی آنها با وی نمی گردیده باشد، درین حالت آنها را خیر دهد، و ازیشان بخشش بخواهد، و اگرچه عبارتهای مجمل هم باشد کفایت میکند، مثل اینکه بگوید: من پیش ازین در حق شما خطا و غلطی کرده ام، و یا من ذریعه سخن خویش ترا ظلم کرده ام، و حالا من از کرده های خود توبه نمودم، و از شما بخشش میخواهم. اگر به این چنین عبارتها معذرت بخواهد بدون تفصیل باکی ندارد.

و اگر آنها را بآنچه غیبت نموده و یا تهمت کرده است خبر دهد - آنها بر او قهر و غضب می شده باشند، و غم و غصه و کینه ایشان افزایش پیدا می کرده باشد - و شاید این حالت بیشتر مردم باشد -، و یا اینکه اگر آنها را به عبارتهای مجمل خبر دهد قناعت نمی کرده باشند، تا به تفصیل بیان نکند، و اگر آن را به تفصیل بشنوند ناراض شده، و با او زیاده تر بدبینی و دشمنی کنند - درین حالت هرگز بر او لازم نیست که آنها را خبر دهد؛ زیرا شریعت امر برزاده نمودن مفسده ها نمی کند، و آنکه شخصی را به چیزی خبر داده شود، که او پیش از شنیدن آن آرام بوده، به طریقه ای که سبب دشمنی و بدبینی او گردد، و این کار خلاف مقصد شریعت است؛ زیرا شریعت امر به یکجا ساختن دلها، و جلب نمودن محبت بین مسلمانان می کند، و شاید خبر دادن آنها باعث دشمنی شود، که بعد از آن دل آن شخص غیبت شده جهت شخص غیبت کننده هرگز صاف نه گردد.

پس درین حالت برای درست شدن توبه این چند چیز ذیل کفایت میکند:

۱- پشیمان شدن، و از خداوند عز و جلاله مغفرت خواستن، همراه تأمل در شناعة

و بدی این جریمه، و حرام بودن آن را یقین داشتن.

۲- سخن خود را نزد کسی که غیبت و یا تهمت او را شنیده دروغ بشمارد ، و پراشت او را ثابت سازد .

۳- خوبیهای کسی را که غیبت نموده ، در عین مجلس های که او را غیبت کرده یاد نماید ، و او را بخوبی یاد کند .

۴- از تن او دفاع کند ، و از او پشتیبانی کند چون کسی میخواسته باشد به او بدی کند .

۵- برای او در غیابش دعا کند ، و آمرزش خواهد .^(۱)

و ملاحظه نما - برادر مسلمانم - فرق را بین حقوق مالی و جنایات بدنی ، و بین غیبت و سخنچینی .

حقوق مالی چون صاحبانش را خیر داده شود به فایده ایشان میباشد ، که حقوق شان برای شان بازگردانیده می شود ، و به این کار راضی و خوشنود می شوند ، ازین نگاه آن را پنهان کردن جایز نیست ، به خلاف حقوق که تعلق به ننگ و ناموس مردم دارد ، که اگر آنها را خیر داده شود خشم و غضب شان را زیاد می سازد ، و باعث نقص و ضرر او میگردد .

=====

۶- کسی که به قصد ، قتل ناحق کرده است چگونه باید توبه کند ؟

۶- قاتلی که کسی را به قصد کشته است بر وی سه حق لازم میگردد :

(۱) نگاه : " مدارج السالکین " ۱/ ۹۱ ، و " للمفنی " همراه شرح ۷۸/۱۲ .

یکی: حق خداوند ﷻ. دوم: حق شخص کشته شده. سوم: حق ورثهٔ مقتول.
 حق خداوند ﷻ بجز توبه به چیزی دیگری ادا نمی شود، و حق ورثهٔ مقتول آنست که خود را به ایشان تسلیم کند تا حق شان را به یکی از سه چیز بگیرند: یا قصاص، و یا دیت، و یا معاف نمودن.

باقی می ماند حق مقتول (شخص کشته شده) که آن را در دنیا وفا کرده نمی تواند، و درینجا علماء - رحمت الله علیهم - فرموده اند که: اگر شخص قاتل بطور صحیح و درست توبه کند خدای ﷻ در روز قیامت حق مقتول را از ذمهٔ او می بردارد، و در عوض آن برای مقتول از جانب خود خوبیهای فراوانی عطا میفرماید، و این قول در بارهٔ توبهٔ قاتل بهترین اقوال است. (۱)

=====

س ۷- دزد چطور توبه میکند؟

ج ۷- اگر چیزی که دزدی کرده است در پیشش باشد باید آن را به صاحبانش بازگرداند، و اگر تلف شده باشد، و یا اینکه قیمتش کم شده باشد بسبب استعمال نمودن، و یا کهنه شدن، و یا زیاد وقت نزدش ماندن _ درین حالات بر او لازم است که عوض آن را برایشان بدهد، مگر در حالیکه او را ببخشند، پس (گرددن او خلاص می گردد) والحمد لله.

=====

س ۸- هنگام با کسانیکه ازیشان دزدی کردم روی بروی شوم بسیار احساس شرم

(۱) نگاه: "مدارج السالکین" ۱/۲۹۹.

وخجالتی می‌کم ، ونمی توانم که به صراحت با ایشان سخن گویم ، ویا ازیشان بجنشش
خواهم ، پس چطور کم ؟

ج۸- باکی ندارد که یک راه پیدا کنی که دران راه این شرمندگی وخجالتی - که ترا از
روی بروی شدن با آنها مانع می شود - نباشد ، مثلیکه : حقوق شان را بدست کسی
دیگری بفرستی ، و او را بگو که نامت را برایشان یاد نکند ، ویا آن را بذریعهٔ پست
بعنوان شان بفرست ، ویا آن را به پنهانی برده ونزدشان بگذار ، ویا با ایشان توریه را
استعمال نما^(۱) وبگو : این حقوق شما است ، نزد کسی بوده ^(۲) ، واونمی خواهد که نامش
را برای تان یاد کم . مهم اینکه حق را به صاحبانش بازگردانی .

=====

س۹- از جیب پدرم به خفیه وپنهانی دزدی می‌کردم ، وحالا می‌خواهم که توبه کم ، لیکن
نمیدانم که از جیب شان چقدر گرفته ام ! ومن از صراحت با وی خوار می‌خورم . (چه
باید کم ؟)

ج۹- باید چیزی را که از جیب پدرت گرفته ای ، اندازهٔ آن را به چیزی که بر کمان غالب
می آید تحدید نموده ، ویا ازاتقدر زیادتیر برای پدرت بازگردان ، وبآکی ندارد که آن را
بطوریکه (خفیه وپنهان) گرفته بودی پس دوباره (خفیه وپنهان) بازگردانی .

=====

(۱) توریه : پوشیدن وپنهان کردن حقیقت ، امری را بخلاف حقیقت نشان دادن ، حقیقت را نهفتن وطور دیگر وا
نمود کردن . « مترجم » نقل از فرهنگ صید .
(۲) مقصودش خودش باشد تا دروغ شماریده نشود . « مترجم » .

مس ۱۰- از بعض مردم اموالی را دزدی نمودم ، و حالا توبه کردم ، ولیکن آدرسهای آنها را نمیدانم (تا اموال شان را بازگردانم)

شخص دیگری میگوید: از یک شرکت اموالی را به ربودگی گرفتم ^(۱) ، و حالا آن شرکت وظیفه خود را بسر رسانیده ، و ازین کشور برآمده است .

شخص سومی میگوید: از یک دکان تجارتنی بعض سامانها را دزدی کرده بودم، و حالا آن دکان جای خود را تغییر نموده ، و صاحبش را نمی شناسم .

ج ۱۰- باید تا جایی که طاققت داری ازیشان جستجو کنی ، اگر ایشان را یاقتی حقوق شان را برایشان بازگردان - والحمد لله - ، و اگر صاحب مال وفات نموده باشد برای ورثه وی آن را داده می شود .

و اگر بعد از جستجوی درست ایشان را نیافتی ، آن اموال را از جانب ایشان صدقه کن ، و ثوابش را برای شان نیت کن ، اگرچه آنها کافر هم باشند باکی ندارد ؛ زیرا الله تعالی مزد کافران را در دنیا میدهد ، و در آخرت ایشان را هیچ ثوابی نمیباشد .

وابن القیم - رحمت الله علیه - در کتاب خود " مدارج السالکین " ۱/ ۳۸۸ یک مسأله را شبیه به این مسأله ذکر نموده که : شخصی در یک لشکری از مسلمانان کدام چیزی را از مال غنیمت دزدی کرده بوده ، و بعد از مدتی توبه نموده ، و آنچه را که از مال غنیمت گرفته بوده آورده ، و برای آمر لشکر تسلیم نموده ، ولی آمر آن را تسلیم نشد ، و گفت : حالا بعد از اینکه آن لشکر متفرق شده اند ، من چگونه این مال را برای شان برسانم ؟!

(۱) ربودگی : چیزی را با تر دمتی و چلبگی از جانی برداشته ویردن . « مترجم » به نقل از " فرهنگ صید " .

سهس آن شخص پیش حجاج بن الشاعر آمده ، واز او درین باره فتوی پرسید .
در جواب برایش گفت : ای بنده خدا ! بی شک الله ﷻ آن لشکر و نام و نسب شان
را میداند ، تو پنج یک آن مال را برای کسی که داده میشود بده ، و باقی آن را از طرف
صاحبانش صدقه کن ، خدای ﷻ آن را برای شان میسراند . پس آن شخص طبق
فتوای او عمل کرد .

حضرت معاویه رضی الله عنه و قتیبه ازین قضیه باخبر شد فرمود: اگر من شخصا این فتوی را
میدادم ، آن بهتر می بود نزد من از نیم پادشاهی ام .
و نیز در " مدارج السالکین " یک فتوای دیگری شبیه به این فتوی از شیخ اسلام
ابن تیمیه - رحمت الله علیه - در ضمن یک قصه آمده است .

=====

من ۱۱- مال بعض ایتام را بزور گرفتم ، و بان تجارت نموده ، و ربح و فایده بدست آوردم ،
و آن مال زیاد شده و چند برابر گردید ، بعد ازان از خدا ترسیدم ، و شیمان شدم ، پس
من از گناه خود چگونه توبه کنم ؟

ج ۱۱- علماء را درین مسأله چند قول است ، میانه ترین و عادل ترین آن اقوال این است
که : سرمایه مال اصلی را (یعنی آنقدر مال را که از ایتام گرفته) با همراه نیم فایده برای
ایتام باز میگرداند ، گویا که با ایشان در فایده شریک باشد ، بعد از باز گردانیدن اصل مال
برایشان .

این قول روایتی است از امام احمد ، ورأی شیخ اسلام ابن تیمیه ، وترجیح شاگرد او ابن قیم - رحمت الله علیهم اجمعین - .^(۱)

واین چنین اگر شتر و یا گوسفند چرنده ای را بزور بگیرد ، و ازان شتر و یا گوسفند بچه ها بوجود آید _ درین حالت نیز آن شترها وگوسفندها را همراه نیم بچه ها برای مالک اصلی اش باز میگرداند .

و اگر آن شترها و یا گوسفندها نزد او بمیرد ، قیمت آن را با نیم بچه ها باز میگرداند .

=====

س ۱۲- شخصی در فرودگاه ، شعبة باربری وظیفه دارد ، در بعض اوقات بعض سامانها نزد ایشان دیر می ماند ، آن شخص یک « تیپ » را ازان سامانها به ربودگی گرفته بوده ، و حالا بعد از چند سال توبه کرده است . آیا بر او لازم است که خود آن « تیپ » را بازگرداند ؟ . و یا اینکه قیمت آن را ، و یا شیبه بآن یک « تیپ » دیگری را بازگرداند ؟ معلوم تان باشد که در بازارها از نوع آن « تیپ » - حالا - وجود ندارد .

ج ۱۲- خود آن را باز میگرداند ، همراه چیزی که از قیمت آن - سبب استعمال نمودن و یا کهنه شدن - کم شده است ، و آن را به یک ترتیب مناسبی بازگرداند که باعث ضرر واذیت او نشود ، و اگر بازگردانیدن آن ممکن نباشد ، قیمت آن را از طرف صاحب اصلی اش صدقه دهد .

=====

(۱) نگاه : " مدارج السالکین " ۱/ ۳۹۲ .

من ۱۲- بیش من مالی بود از ربا (از سود) ، ولیکن همه آن را خرج کرده ام ، و هیچ چیزی از آن نردم نمانده است . وحالا من از گناه خود توبه کرده ام ، پس چه چیز بر من لازم است؟

ج۱۳- بر تو بجز توبه کردن چیزی دیگری لازم نیست ، پس بسوی الله ﷻ رجوع نموده ، توبه راست و درست انجام نما .

و ربا (سود خوری) خیلی گناه بزرگ و خطرناکی است ، که خدای ﷻ در قرآن کریم با هیچ یکی از گناهکاران اعلان جنگ نکرده مگر با سود خوران^(۱) . و مادامیکه آن مالهای ربوی همه خرج شده باشد پس حالا بر تو از جهت آن هیچ چیزی لازم نیست .

من ۱۴- یک « موتر » را بمال که بعض آن حلال و بعض دیگرش حرام بوده خریدم ، و آن « موتر » تا هنوز نردم مییاشد ، حالا من چه کنم ؟

ج۱۴- هرکسی بمالی که بعض آن حلال و بعضش حرام است چیزی بخرد که او قابل تجزیه نباشد (یعنی: قابل تقسیم نیست) مانند خانه و یا موتر ، پس باید او باندازه آن مال حرام از دیگر مالهای پاکیزه خود جدا کرده ، و آن را صدقه دهد ، بخاطر پاکیزه ساختن ممتلكات خویش . و اگر آن قسمت از مال حرام حق دیگران باشد ، بر وی واجب است که اندازه آن را برایشان باز گرداند ، به تفصیلی که قبلاً یاد نمودیم .

(۱) الله تعالى میفرماید « يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و نروا ما بقي من الربوا ان كنتم مؤمنين * فين لم تلتفوا فانتوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتم فلکم رموس أموالکم لا تظلمون ولا تظلمون » «سوره بقره آیت: ۲۷۸ و ۲۷۹» ترجمه: { ای کسانیکه ایمان آورده اید از خدا بترسید ، و ترک کنید آنچه را که باقی مانده است از مال سود ، اگر حقا هستید از مومنان . پس اگر آن را ترک نمی کنید باخیر باشید به جنگی از طرف خدا و رسول او ، و اگر توبه کردید پس برای شما اصل مالهای تن میماند - و از آن اضافه تر حق ندارید - نه کسی را ظلم کنید ، و نه بر شما ظلم کرده شود } . « مترجم » .

۱۸- مالی که از طریق تجارت « سیگار » (سکریت) به فایده آمده است، آن را چطور باید کرد؟ این چنین اگر آن مال با مالهای حلال یکجا شده باشد، و آن را تواند جدا کرد - چه حکم دارد؟

ج۱۸- هرکسی که به چیزهای حرام تجارت کند، مانند: آلات لهو، فینه های محرم (اکسیت های بیت وساز و سرود)، سیگار، (و غیره) در حالکه او حکم آن را میدانسته باشد، باز توبه کند - درین حالت باید فایده های آن تجارت حرام را در راهای خیر صرف سازد، از برای ذمه خود را خلاص ساختن، نه به نیت صدقه؛ زیرا الله تعالی پاکیزه است و بجز چیزهای پاکیزه چیزی دیگری را نمی پذیرد.

و اگر این مال حرام با مال حلال آمیخته شده باشد (مخلط شده باشد)، مانند دکاندار که سیگار هم میفروشد، و دیگر سامانهای مباح هم میفروشد - درین حالت باید به اجتهاد خود اندازه آن مال حرام را تحدید نموده بیرون سازد، تا برگمان وی غالب گردد که مال حلال خود را ازان کسب حرام پاک ساخته است، و الله تعالی در عوض آن برایش خیر بزرگی عطا فرماید، و او تعالی صاحب کرم و گشایش دهنده است.

و بطور عموم: هر که نزد خود مالی از کسب حرام داشته باشد، و بخواهد که توبه کند:

۱) اگر در وقت کسب کردن آن مال کافر بوده باشد، وقت توبه کردن او را به بیرون آوردن آن مال ملزم ساخته نمی شود؛ زیرا وقتی که صحابه کرام بدین اسلام مشرف شدند رسول خدا ﷺ آنها را ملزم نساخت که مالهای حرام را که پیش خود داشته اند بیرون سازند.

۲) و اگر وقت کسب کردن آن مال مسلمان بوده باشد ، و حرام بودن آن را میدانسته بود _ پس حتماً آنچه از مال حرام را که بدست آورده بود ، و تیکه توبه می کند بیرون ساخته (و در راه های خیر آن را صرف میسازد ، به غرض کردن خود را خلاص ساختن ، نه بغرض صدقه و خیرات) .

=====

ص ۱۶- شخصی رشوت کار بوده ، سپس الله تعالی او را براه استقامت هدایت بخشیده ، حالا آن شخص در باره مالهای که رشوت گرفته بود چه کار کند ؟
ج ۱۶- این شخص بر یکی از دو حالت میباشد :

۱) یا اینکه رشوت را از کسی گرفته که او مظلوم و صاحب حق بوده ، از مجبوری رشوت داده تا حق خود را بدست آورد ؛ زیرا او بجز رشوت دادن راه دیگری در پیش نداشته تا او را بچشمش برساند . درین حالت بر این شخص که رشوت گرفته واجب است که آن مال را برای صاحب حق - که رشوت داده است - باز گرداند ؛ زیرا آن مال در حکم مالی است که بزور گرفته شده باشد ، و نیز او را مجبور ساخته آن مال را از او گرفته است .

۲) و یا اینکه آن رشوت را از شخص ظالمی همانند خودش گرفته است ، که او از طریق رشوت دادن چیزهای را بدست آورده که از آن او نبوده . پس مالی را که ازین شخص گرفته است باز نمی گرداند ، بلکه باید آن را در راهای خیر مصرف کند ، مثلاً آن

را برای فقیران بدهد (بنیت کمک نه بنیت صدقه واجر و ثواب) ، و اضافه برین باید ازینکه صاحبان حق را از حق شان - سبب رشوت گیری - محروم ساخته توبه کند .

=====

س ۱۷- کارهای حرام ونا درست را انجام داده ، ودر مقابل آن اموالی گرفته بوم، وحالا که من توبه نمودم آیا بر من لازم است که آن اموال را برای کسانیکه بمن در مقابل آن کارها داده بودند بازگردانم ؟

ج ۱۷- شخصی که در امور محرمه (کارهای نا روا) کار میکند ، ویا برای مردم خدمتهای ناروا تقدیم نموده ، وازیشان مقابل آن کارها وخدمتها چیزی میگیرد _ این شخص اگر توبه کند وچیزی ازین مال حرام نزد او باقی مانده باشد باید خود را ازان مال حرام پاک سازد (در راهای خیر آن را صرف سازد) ، وآن را برای کسانیکه برایش داده بودند باز نگرداند .

پس زن زناکار که در مقابل زنا مالی را گرفته بوده ، وقتیکه توبه میکند آن مال را برای شخص زانی باز نمی گرداند . ومغنی وغزل خانی که در مقابل غزل خانی اش مالی گرفته بوده ، وقتیکه توبه میکند آن مال را برای کسانیکه برایش داده بودند باز نمیگرداند . وشراب فروش ویا مخدرات (چرس وتریاک وغیره) فروش وقتیکه توبه میکند قیمت آن را برای کسانیکه خریده بودند باز نمیگرداند . وکسی که به دروغ شهادتی داده ، ودر مقابل آن مالی گرفته است ، وقتیکه توبه میکند آن مال را برای کسانیکه از شهادت دروغ او استفاده کرده اند باز نمیگرداند . ودیگر امور نیز بهمین قیاس میباشد .

این گونه اسوال برای صاحبانش بازگردانیده نمی شود؛ زیرا اگر آن را برایشان بازگرداند _ برایشان دو چیز جمع میگردد: کار حرام، و عوض حرام، و باین کار آنها را بر معصیت خداوند ﷻ کمک میکند.

ازین نگاه او را همین قدر کافی است که خود را ازان مال خلاص سازد.

این قول اختیار شیخ اسلام ابن تیمیه و شاکرد او ابن القیم - رحمت الله علیهما - است، چنانچه در "مدارج السالکین" ۱/۳۹۰. آمده است.

=====

۱۸- یک چیزی مرا به تشویش انداخته، و باعث نا آرامی و بی خوابی من گردیده است، آن چیز عبارت ازینکه من در فاحشه زنا با یک زنی واقع شدم، پس حالا چگونه باید توبه کنم؟ آیا برای من جایز است که آن زن را به نکاح بگیرم، تا این قضیه را ستر کنم؟

و شخص دیگری می پرسد که او در یکی از دولت های خارج در فاحشه زنا با یک زنی واقع شده، و آن زن از او حامله دار شده است. آیا این کودک پسر او میباشد؟ و آیا بر او واجب است که نفقه آن کودک را برایش بفرستد؟

۱۸- در مورد امور متعلقه به فواحش پرسش های مردم زیاد شده است، به اندازه ای که بر همه مسلمانان لازم گردیده که در باره وضع و احوال خویش اعاده نظر کنند، و احوال خود را مطابق بر هدی قرآن کریم و سنت پیغمبر ﷺ اصلاح و درست کنند، خصوصاً در مسایل چشم پوشی (از دیدن حرام)، و حرام بودن خلوت (با زنی بیگانه تنها یکجا

شدن) ، ونا جایز بودن مصافحت زنی اجنبی (یعنی : دست دادن بزنی بیگانه در هنگام سلام دادن) ، و بچجاب شرعی کامل ملتزم بودن ، و خطورت یکجا نشست و برخاست کردن زنان با مردان ، و به کشورهای کافر سفر کردن ، و به خانه ای مسلمانی، و خاندان مسلمان اهتمام دادن ، و زودتر عروسی کردن ، و سختیهای آن را آسان ساختن .

اما در باره جواب سوال ، پس میگوئیم که : هر که فعل فاحشه انجام میدهد او از یکی از دو حالت خالی نمی باشد :

۱) یا اینکه آن زن را مجبور ساخته و بزور زنا کرده است ، پس درین حالت بر او لازم است که برای آن زن - در عوض ضرریکه به وی رسانیده - مهر همانندش را بدهد ، همراه توبه راست و درست خالصاً لله انجام دادن ، و اگر قضیه به پیش حاکم مسلمانان و یا نایب وی همچون قاضی محکمه رسیده باشد بر او حد شرعی تطبیق میشود .^(۱)

۲) و اگر او را برضایت خودش زنا کرده باشد ، پس بر وی هیچ چیزی بجز توبه لازم نیست ، و کودک در هردو حالت بآن مرد الحاق کرده (نسبت داده) نمی شود ، و نفقه او هم بر وی واجب نمی باشد ؛ زیرا آن کودک از طریق زنا بوجود آمده است ، و این گونه کودک را به مادرش نسبت داده می شود ، و جایز نیست که او را به زانی نسبت داده شود .

و مرد زانی چون توبه نماید برایش جایز نیست که زن زانیه را به نکاح خود بگیرد ؛ تا قضیه را ستر کند ، خدای تعالی میفرماید : ﴿ الزانی لا ینکح إلا زانیة أو مشرکة ، و الزانیة

(۱) نگاه : "مدارج السالکین" ۱/۲۳۶ .

لا ینکحها إلا زان أو مشرک وحرّم ذلك علی المؤمنین ﴿ «سورة نور آیت: ۳»

ترجمه: {مرد زنا کار نکاح نمیکند مگر زنی زنا کار ویا مشرک را، و زن زنا کار را بنکاح نمی گیرد مگر مرد زنا کار ویا مشرک، واین کار بر مومنان حرام شده است} .
و زن که از طریق زنا حامله دار است بر او عقد نکاح بستن جایز نیست، هر چند که آن کودک از جهت خود آن مرد باشد. همچنان بر زن که حامله بودن ویا نابودن او معلوم نباشد عقد نکاح بستن روا نیست.

ولی اگر هریک مرد زانی و زن زانیه توبه راست ودرست انجام دهند، و ثابت گردد که آن زن در رحم خود چیزی ندارد _ درین حالت جایز است که باهم ازدواج کنند، وزندگانی نوبطوریکه الله تعالی دوست دارد آغاز نمایند.

=====

س ۱۹- من در فاحشه زنا - والعیاذ بالله - واقع شدم، و زنی را که با وی زنا کرده بودم بعداً به نکاح خود درآوردم، وازین واقعه چند سال ها گذشته است، وهریک از ما از صدق دل توبه نموده است، پس حالا بر ما چه چیز واجب است؟

ج ۱۹- مادامیکه از هر دو طرف توبه درست صورت گرفته باشد، باید عقد نکاح را از سر به شرطهای شرعی اش بسته کرده شود، که در حضور سرپرست زن و دو شاهد صورت بگیرد، و لازم نیست که این کار در محکمه انجام گیرد، بلکه اگر در خانه انجام گیرد کفایت میکند.

=====

س ۲۰- زنی می پرسد و میگوید که او یک مردی نیکوکار را ازدواج نموده ، و پیش از عقد زواج بعض کارهایی که خلاف رضای خداوند بوده انجام داده است ، و حالا وجدانش او را ملالت میکند ، و می پرسد که آیا بر وی لازم است که شوهرش را بآنچه پیش از ازدواج انجام میداده خبر دهد ؟

ج ۲۰- بر هیچ یکی از زن و شوهر واجب نیست که همسر خود را بآنچه از بدیهای که پیش از ازدواج انجام میداده خبر دهد ، و باید کسی که به چیزی از این بدیها مبتلا می شود خود را به پرده خداوند ﷻ پرده کند ، و برای وی توبه درست انجام دادن کفایت میکند ، (و لازم نیست که عیب های خود را برای یکدیگر بیان کنند) . ولی اگر مردی زنی را دختر گنه بگیرد ، و بعد از یکجا شدن با وی برایش ثابت گردد که او دختر نبوده ، بسبب فاحشه کاری که او قبلاً مرتکب شده بوده ، درین حالت آن مرد حق دارد که مهری را که برای آن زن داده بوده ، واپس کند ، و خود را از آن زن جدا سازد ، و اگر دید که او از نگاه خود توبه نموده ، پس او را ستر کرد ، و در نکاح خود گذاشتش ، برایش از جانب خداوند ﷻ اجر و ثواب میباشد .

=====

س ۲۱- بر کسی که میخواهد از فاحشه لواطت توبه کند چه چیز واجب است ؟

ج ۲۱- بر کسی که این کار را کرده ، و یا کسی که در حق او این کار شده است واجب است که بسوی الله ﷻ رجوع نموده ، و توبه بزرگی انجام دهد ؛ زیرا هیچ قومی را دانسته

نشده که خداوند ﷻ به مانند قوم لوط بر آنها انواعی از عذاب را نازل کرده باشد ،
بجاطر شناعت و بدی جریمه ای که آنها مرتکب شده بودند .

قوم لوط را خداوند ﷻ بعد از این ذیل هلاک ساخت :

۱- چشمهای ایشان را باز گرفت ، و ایشان کور شده ، و هرسو هرسو خود را میزدند ،
چنانچه الله تعالی میفرماید ﴿ فطمسنا أعینهم ﴾

ترجمه : { پس محو کردیم چشمهای ایشان را } .

۲- بر ایشان آواز سخت و نعرهٔ بد را فرستاد .

۳- شهرهای ایشان را (با آسمان بالا برده) روی دیگر گردانید . یعنی بالای آن را زیر و زیر
آن را بالا گردانید ، (و بر زمین زدشان) .

۴- بر بالای ایشان سنگهایی از گل پخته پیاپی بارانید ، و به این وسیله همهٔ ایشان را از
بیخ و ریشه هلاک ساخت .

ازین نگاه حدی که بر مرتکب این فاحشه تطبیق می شود (یعنی: عقوبت شرعی او)

قتل است ، برابر است که او محصن باشد و یا غیر محصن .^(۱)

چنانچه رسول الله ﷺ فرمودند : " من وجدنوه یعمل عمل قوم لوط فاقتلوا الفاعل

والمفعول به " .^(۲) ترجمه : { هر که را در حال انجام دادن عمل قوم لوط دریافتید ، پس

هر یک فاعل و مفعول به را قتل کنید }^(۳) .

(۱) محصن : مرد زن دار . غیر محصن : مرد بی زن . « مترجم » .

(۲) روایت امام ابو داود و امام ترمذی و امام ابن ماجه - رحمهم الله - ، و البانی - رحمه الله - او را صحیح گفته
است . نگاه : " إرواء الغلیل " رقم (۲۳۵۰) .

(۳) فاعل : کسی که آن کار را در حق دیگری میکند . مفعول به : کسی که در حق وی آن کار می شود . « مترجم » .

۲۲- از گناهان خود توبه نموده ، بسوی خداوند ﷻ رجوع کرده ام ، ولی نزد خود بعض چیزهای حرام دارم ، مثل : آلت‌های ساز و سرود ، و فینه های پیت ، و فیلم‌های فیدویو . آیا برای من جایز است که آن چیزها را بفروشم ؟ خصوصاً قیمت آنها خیلی پول زیاد میشود .

۲۲- چیزهای حرم را فروختن جایز نیست ، و قیمت فروخت آن حرام است . جناب پیغامبر خدا ﷺ فرموده است : « **إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئاً حَرَّمَ ثَمَّهُ** » .^(۱) ترجمه : { هر گاه خداوند ﷻ چیزی را حرام سازد ، قیمت آن را نیز حرام ساخته است } .

وهرچه را میدانی که غیر تو آن را در چیزی حرام استعمال میکند ، برای تو جایز نیست که آن چیز را برای آنکس بفروشی ، زیرا الله تعالی ازین کار نهی نموده ، و فرموده است : « **وَلَا تَتَاَوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ** » « **سورة مائده آیت : ۲** » ترجمه : { در باره گناه و ستمکاری با یکدیگر کمک و همکاری نکنید } . و هر قدر از مال دنیا را باخت دهی باکی ندارد؛ زیرا آنچه برایت نزد خداوند ﷻ در عوض آن میباشد بهتر و بادوام تر است ، و او تعالی به فضل و منت و کرم خویش ترا عوض آن را میدهد .

=====

۲۳- من یک انسان گمراه بودم ، که افکار علمانی^(۱) را نشر می نمودم ، و قصه ها و گفتارهای الحادی^(۲) را می نوشتم ، و شعر خود را در نشر نمودن اباحت و فسق و فساد

(۱) روایت امام ابو داود - رحمه الله - و حدیث صحیح است

(۲) علمانی : زندقانی نور از دین ، چنانی کمال میان دین و زندقانی ، علاقه نداشتن دین بزندقانی . « مترجم » .

(۳) الحادی : کافری ، بی دینی . « مترجم » .

استخدام می نمودم ، خدای ﷻ مرا به رحمت خود درک نمود ، پس مرا از تاریکیها به روشنی کشید ، و برایم هدایت بخشید . پس من چگونه توبه کنم ؟

ج۲۳- بخدا که اینست نعمت بزرگ و منت کلان ، نعمت هدایت ، پس خداوند ﷻ را بر این نعمت شکر بگو ، و سہاس گذار ، و از او تعالی پابندی بر دین ، و زیادتر از فضلش بخواه .

کسی که زبان و قلم خود را در جنگ بر علیه اسلام ، و نشر عقاید منحرفه ، و یا بدعتهای گمراه کننده ، و فسق و فجور استعمال می نمود ، بر وی کارهای ذیل واجب است:

اول : توبه خود را از همه آن خطاها اعلان کند ، و به هر وسیله و راه که میتواند برای همه مردم بازگشت خود را ازان غلطیها آشکارا سازد؛ تا در باره کسانی که ایشان را گمراه ساخته است عذر کرده شود ، و باطل را که او بر آن بوده بیان نماید ، تا کسی که قبلاً بآن تأثیر یافته است فریب نخورد ، و آن شبه های را که میان مردم نشر کرده بود ، و آن خطاهای که دران واقع شده بود ، همه آن را جستجو و جوی نموده ، و هر یک ازان را جواب گفته رد کند ، و از چیزی که گفته بود اعلان بیزاری کند .

و این امور را بیان کردن یک واجبی از واجبات توبه است ، خدای تعالی میفرماید:

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَاُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ «سورة بقره آیت: ۱۶۰»

ترجمه: { مگر کسانی که توبه کردند ، و کارهای تباه شده ای خویش را اصلاح نمودند ، و چیزی را که پنهان کرده بودند بیان نمودند ، پس توبه ایشان را می پذیرم ، و منت توبه پذیرنده

مهران }.

دوم : قلم و زبان خود را در نشر دین اسلام مسخر سازد ، و همه طاقت و قدرت خود را در نصرت دادن دین خدا ، و تعلیم دادن حق برای مردم ، و دعوت نمودن دیگران بسوی آن حق _ موظف سازد .

سوم : باید طاقت و توانائی خود را در رد کردن بر دشمنان خدا ، و رسوا ساختن آنها ، و آشکار نمودن نقشه ها و اندیشه های آنها استخدام نماید - چنانکه پیش ازین آنها را یاری میداد - ، و دعوای غلط دشمنان اسلام را نیست و تا بود سازد ، و شمشیری باشد برای اهل حق ضد اهل باطل .

و همچنان هر کسی را که - اگر چه در مجلس خاص به تنهائی - به چیزی از کارهای حرام و نا جائز قناعت داده باشد ، مثل : جائز بودن سود خوری ، و آنکه او فایدهای مباح و روا است ، پس بر وی لازم است که چنان که آنکس را گمراه ساخته بود ، برایش حق را بیان کند؛ تا این عمل، گماهان وی را پاک سازد، و خداوند خودش هدایت دهنده است.

خاتمه

ای بنده خدا...! الله ﷻ دروازه توبه را گشوده است، پس آیا داخل نمیشوی؟! در حدیث شریف آمده است که "إِنَّ لِلتَّوْبَةِ بَاباً عَرَضَ مَا بَيْنَ مَصْرَاعِيهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ (وفي رواية: عرضه مسيرة سبعين عاماً) لَا يَنْقُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا" (۱) ترجمه: {برای توبه دروازه ای است که برداری میان هر دو لنگه او اندازه ما بین مشرق و مغرب است (ودر روایت دیگری آمده که: برداری او اندازه هفتاد سال راه است) آن دروازه بسته نمی شود تا وقتی که آفتاب از مغرب بپراید}.

و خداوند ﷻ به بندگانش خطاب کرده است که: " يَا عِبَادِي .. إِنَّكُمْ تَخْطُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَأَنَا أَغْفِرُ الذَّنُوبَ جَمِيعاً، فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُمْ " (۲).

ترجمه: {ای بندگانم... شما شب و روز گناه میکنید، و من همه گناهان را می آمرزم، پس شما از من آمرزش خواهید من شما را می آمرزم}.

پس آیا آمرزش نمیخواهی؟!

و خداوند دست مبارک خود را در شب میکشاید تا که هرگاه روز توبه کند، و در روز میکشاید تا که هرگاه شب توبه کند، و خداوند ﷻ عذر خواهی را دوست دارد، پس آیا بدرگاه او پیش نمی شوی؟!

چه خوب سخنی است سخن بنده توبه گذار، چون میکنید:

(۱) روایت امام طبرانی - رحمه الله - در " المعجم الكبير " نگاه: " صحیح الجامع " رقم: ۲۱۷۷.
(۲) روایت امام مسلم - رحمت الله علیه - در صحیح خود کتاب البر والصلوة باب تحریم الظلم شماره حدیث (۴۵۱۷)

خدایا... ترا بعزت و خواریم سوال دارم که مرا رحم نمائی، ترا به توانائی ات و کمزوریم سوال دارم، ترا به بی نیازیت از من و محتاجیم بتو سوال دارم، اینک پیشانی دروغگو و خطا کارم را پیش دو دست گذاشته ام، بندگانت بجز من بسیار اند، ولی من بجز تو دیگر پروردگاری ندارم، از قهر و غضبت به هیچ جائی پناه برده و یا نجات طلبیده نمی شود مگر بسوی خودت، می پرسم ترا پرسیدن بنده بیچاره، و زاری می کنم ترا زاری کردن بنده سرخم شده ای خوار گردیده، و دعا می کنم ترا دعا کردن بنده ترسنده ای ضرر رسیده، پرسیدن کسی که از برای تو گردنش خم شده، و از برای تو بینی اش خاک آلود شده، و از برای تو چشمانش اشک ریزان شده، و از برای تو دلش دلیل گردیده است.

قصه ذیل را تأمل نما، و دلالت آن را در باره توبه اندیشه کن:

آمده است که یکی از نیکوکاران در بعض راه ها می گذریده، ناگهان دروازه ای را دید که باز شده، و از آن یک کودک فریاد زده و گریان کرده بیرون می شود، و در پی وی مادرش او را پیش کرده، و از خانه بیرونش میکند، و دروازه را در روی او بند کرده، و به خانه داخل می شود.

سهس آن کودک تا یک اندازه راه رفته، و دور نشده در جای خود ایستاد شد، و هرچه فکر کرد و استعجید بجز خانه ای که او را از آن بیرون کرده شده دیگر جای آرامگاه نیافت، و بجز مادر خود دیگر جای دهنده پیدا نکرد، پس دل شکسته و غمگین به خانه خود باز گشت، و وقتی که بنزد خانه رسید دروازه را دید که بند است، پس بر آن دروازه تکیه نموده، و رخسار خود را بر آستانه دروازه گذاریده، و اشکهایش بر رویش روان بوده

خواب کرد .

بعد از مدتی مادرش دروازه را باز کرده بیرون شد، و هنگامیکه پسرک خود را به این حالت دید برداشت کرده توانست، و خود را بر وی انداخت، و او را در آغوش خود گرفته بوسه کرده گریان میکرد، و میگفت: ای پسرک من... از پیش من کجا رفتی؟ ترا بجز من کی جای خواهد داد؟ ترا نگفته بودم که مرا نافرمانی نکن؟! و باعث عقوبت من مشو؟! بر خلاف خوی و عادت که مرا خداوند بر آن آفریده است از نگاه رحمت و شفقت بر تو! . سپس پسرک خود را گرفته داخل خانه شد .

ولیکن - بدان که - رسول خدا ﷺ میفرماید: " اللَّهُ أَرْحَمُ بَعَادَةٍ مِنْ هَذِهِ بَوْلِدَهَا " (۱).

ترجمه: { خداوند مهربان تر است به بندگانش ازین مادر به پسرش }.

و موقع رحمت و مهربانی مادر از رحمت و مهربانی خداوند جلیل که همه چیز را احاطه کرده است کجا میباشد؟!

و خداوند ﷻ به توبه بنده اش - چون توبه کند - شادمان می شود، و ما هرگز از

خیر و خوبی خداوند که شادمان می شود محروم نمی مانیم .

در حدیث شریف آمده است که: خداوند ﷻ به توبه بنده اش چون توبه کند

شادمان تر میباشد از شخصی که در بیابانی سفر کرده است، و در یک جای ازان بیابان

پائین شده، که آنجا هر که بماند هلاک خواهد شد، و همراه خود شتری داشته که سر آن

شتر خوراک، و آب آشامیدن خود را بار کرده بوده، و زیر سایه یک درختی رفته، و آنجا

(۱) روایت امام مسلم - رحمت الله علیه - مترجم میگوید: حدیث مذکور را امام بخاری به شماره (۵۹۹۹) و امام مسلم در صحیح خود کتاب التوبه باب: فی سعة رحمة الله تعالی به شماره (۶۹۱۲) روایت کرده اند .

سر خود را مانده ، و اندکی خواب کرد ، و وقتی که از خواب بیدار شد دید که شترش وجود ندارد ، پس او را هر سو جستجو نمود ، بر یک بلندی بالا شده ، و هر سو نگاه کرد ولی چیزی ندید ، ازان بلندی پائین شده بر بلندی دیگری بالا شد ، باز هم چیزی ندید ، تا که گرمی و تشنگی بر وی غلبه نمود ، آنگاه گفت : پس بجای خود زیر آن درخت بازگردیده ، و آنجا تا مرگم رسیدن خواب میکنم . سپس از شتر خود نا امید شده ، زیر آن درخت رفته ، و در سایه آن خواب نمود ، در اثنا تئیکه او این حالت را بسر میرد ، سر خود را بلند کرد که ناگهان شترش بالای سرش ایستاد است ، و ریسمان خود را کش دارد ، و بر پشت او طعام و شرابش بار است ، پس از ریسمان او گرفته (و از خوشی زیاد غلط کرده گفت : خدایا . . تو بنده من ، و من پروردگار تو هستم)^(۱)، خدای تعالی به توبه بنده مومن ازین شخص به بار و شتر خود زیادتیر شادمان می باشد .^(۲)

بدان - برادرم - که گناه برای بنده توبه گذار صادق ذلت و فروتنی را پیش روی پروردگارش می بخشد ، وآه و ناله توبه گذاران نزد پروردگار جهانیان محبوب است . و بنده مومن همیشه گناهان خود را پیش روی خود میگذارد ، پس گناهان او برایش شکستگی و هشیمانی را جلب می نماید ، پس از بی آن گناه طاعتها و خوبیهای فراوانی انجام میدهد ، اندازه که شیطان شاید بگوید : ای کاش او را درین گناه واقع نمی کردم .

ازین نگاه حالت بعض توبه گذاران بعد از گناه و توبه کردن از آن ، شاید بهتر و نیکوتر باشد از حالت ایشان پیش از گناه ، هر که به اندازه توبه اش .

(۱) عبارت که در میان دو قوس است از اضافات مترجم میباشد ، بنا بر روایات که در زمینه ثابت شده است .

(۲) الفاظ این حدیث را از چندین روایتهای صحیح جمع نمودم . نگاه : " ترتیب صحیح الجامع " ۳۶۸/۴ .

وهرگز الله تعالى بنده خود را که بسوی پروردگارش روی گردانیده ، وتوبه کرده باز می آید نا امید نمی سازد .

اگر - بطور مثال - یک پسر در سایه پدرش زندگی میکرده باشد ، که او را از خوبترین طعام وشراب غذا میداده باشد ، واز بهترین لباسها می پوشانده باشد ، وبهترین تربیه میکرده باشد ، ونفقه او را میداده باشد ، وتمام مصالح او را شخصاً بجا میکرده باشد .

پس روزی او را پدرش از برای حاجتی بکدام جا فرستاد ، ودر راه یک دشمن با او روی بروی شده ، واو را اسیر گرفته ، و دستهای او را پشت سرش سخت بسته کرده ، ویکشور دشمنان برد . وبا او برخلاف معامله ای که پدرش با او میکرد معامله نمود ، پس هرگاه که تربیت واحسان پدرش را یاد میکرد در هر بار در دل او دردهای حسرت بچوش میآمد ، و نوش ونعمت وزندگانی خوبی را که پیش ازین بسر می برد در یاد می آورد .

و در هنگامیکه او در اسیری دشمن بوده ، که او را سخت عذاب میداد ، ومیخواست که او را در اخیر بکشد _ درین اثنا یکبار چشم او بسوی شهر پدرش افتاد ، وناگهان پدر خود را در نزدیکی خود دید ، دویده دویده بسوی پدرش رفته ، و خود را بالای پدرش انداخت ، وپیش روی او افتاده ، داد وناله کرده میگفت : پدر جانم .. ! پدر جانم .. ! پدر جانم .. ! بسوی پسرت بنگر ، بین او در چه حال است؟! !

اشکها بر رخسارش ریخته ، و دست به گردن پدرش انداخته ، و او را باغوش خود میکشد . دشمن او در جستجویش دوان دوان آمده روان است ، تا بالای سر او رسیده ایستاد شد ، در حالی که او پدر خود را بغل کرده ، و او را سخت قایم گرفته است .

آیا گفته میتوانی که این پدر پسرک خود را درین حالت برای دشمنش تسلیم میکند ؟
و او را میگذارد که هرچه خواهد با پسرش بکند ؟

پس چه گمان است بآن ذاتیکه او به بنده خود رحیم تر است ازین پدر به پسرش ، و از مادر به بچه اش ؟ وقتیکه بنده بسوی او فرار کند ، و از دشمن خود به او پناه ببرد ، و نفس خود را پیش دروازه او باندازد ، و رخسار خود را در خاک بارگاه او بمالد ، و پیش دو دست او گریان کند ، و بگوید : ای بار خدایا . . . رحم کن مر کسی را که بجز تو ، او را دیگر رحم کننده ای نیست ، و او را بجز خودت دیگر یاری دهنده ای نیست ، و او را بجز خودت دیگر جای دهنده ای نیست ، و او را بجز خودت دیگر کمک کننده ای نیست ، بنده بیچاره ، فقیر و خیر خواه ، تو خودت پناهگاه و تکیه گاه اوئی ، نیست او را جای خلاص و راه نجات از تو مگر بسوی خودت .

پس پیا - ای برادر توبه گذارم - بسوی انجام دادن خوبیها ، و کسب کردن نیکیها ، و همنشینی با نیکوکاران .

و باحذر باش از بازگشتن از حق بعد از شناختن آن ، و از گمراه شدن بعد از راه یافتن . و خداوند با تو باشد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

فہرست

م	عنوان	صفحہ
۱	پیشگوئی مترجم.	۳
۲	پیشگفتار مؤلف.	۶
۳	مقدمہ در بارہ خطورت سبک شمردن گناہان.	۹
۴	شروط و مکملات توبہ.	۱۴
۵	توبہ بزرگ.	۲۴
۶	توبہ گناہان گذشتہ را نحو و پاک میسازد.	۲۷
۷	آیا مرا خداوند می آمرزد...؟	۳۰
۸	توبہ قاتل صد نفر!!	۳۴
۹	اگر در گناہ واقع شوم چه باید کنم؟	۴۰
۱۰	مردمان بد ہمیشہ در دنبال من اند!!	۴۵
۱۱	آنها مرا تہدید میکنند!!	۴۹
۱۲	گناہانم زندگانی ام را تلخ و ناخوش ساختہ است!!	۵۵
۱۳	آیا بر من لازم است کہ اعتراف کنم؟!	۵۷
۱۴	قواہای مهم برای توبہ کنندگان.	۶۲
۱۵	خاتمہ.	۸۶

برادر گرامی ، وخواننده محترم ..

شکي نيست که يکي از بزرگترين نعمتهاي خداوند بر بندگانش
اين است که دروازه توبه را براي شان باز نموده ، و آنها را براي
در آمدن در آن امر فرموده ، و به پذيرفتن توبه ايشان وعده
نموده ، و براي توبه گذاران علاوه از آمرزيدن گناهان - اجر
و پاداش فراواني مهيا کرده است .

ليکن بسياري از مردم که ميخواهند توبه کنند در راه توبه براي
شان بعض مشکلات و سختيها سر ميخورد ، و ي - بعض اشتباه ها
و سوالها در ذهن ايشان وارد ميگردد ، براي آن جواب بکار دارند ،
پس براي شان اين کتاب قيمتناک را تقديم ميداريم که - ان شاء
الله - در آن گمشده اي خود را در مي يابند .

کتاب مذکور خيلي از مسائل ضروري ، و احکام مهم ، و فايدهاي
کميافت را در زمينه جمع نموده است ، و خواندن آن براي هر
مسلمان ضروري است ، خصوصاً کسانيکه ميخواهند بطور درست
و صحيح توبه نمايند .

« مترجم »

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**